ویژه سال
اتحاد ملی
و انسجام اسلامی
۱



فصل همدلی

نگاهی به اتحاد و انسجام در آموزه‌های دینی

جمعی از نویسندگان

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل همدلی :نگاهی به اتحاد و انسجام در آموزه های دینی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فصل همدلی :نگاهی به اتحاد و انسجام در آموزه های دینی

مشخصات کتاب

فصل همدلی :نگاهی به اتحاد و انسجام در آموزه های دینی

جمعی از نویسندگان

وضعیت نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲.

ص:۱

اشاره

دیباچه

شعار وحدت اگر با عمل همراه نباشد ریاکاری است.(۱)

جان حیوانی ندارد اتحاد

تو مجو این اتحاد از جان باد

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد جان های شیران خداست

همچو آن یک نور خورشید سما

صد بود نسبت به صحن خانه ها

لیک یک باشد همه انوارشان

چون که برگیری تو دیوار از میان(۲)

این دیوارها و درهای آهنین چه بی رحمانه ما را از آسمان جدا کرده اند و قصه جدایی از دیروز و فردا را با چه واژه های سخت و سنگینی می خوانند!

دنیای ما هرگز محصور این دیوارهای خشک و سرد و خاکستری نبوده است. دیوارها آزارمان می دهند. ما خانه بی دیوار می خواهیم و روز بی پایان و روشنی جاودان.

انسان ها همواره دم از تفرقه می زنند و غم تفرقه گلوی آنان را می فشارد. تفرقه همیشه

۱- [۱] . امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۰۲، ۳۱/۴/۱۳۵۸.

۲- [۲] . از اشعار مولوی در ترجمه بیان السعاده، ج ۷، ص ۴۱۴.

غم انگیز است همچون آتش می ماند که فروزنده و طاقت سوز است.

هر کسی به قسمت خالی زندگی می نگرد و وحدت کلمه را در آن نمی بیند. باید از امروز به ندای رهبر لبیک گفته و چشمان خود را با آن سوی پنجره ها آشتی دهیم. باید پرده ها را عقب زد و پشت صحنه زندگی را هم دید. باید حرکت کرد تا حرکت را باور کرد باید نگاهی دگر داشت و در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی کوشید.

به راستی جهان اسلام و به خصوص رهبران، دولتمردان و نخبگان آنها را چه می شود؟ چرا برای وحدت آن گونه که بایسته و مورد انتظار است و به دور از اجلاس ها و تعارفات معمول و اغلب کم خاصیت، گام های عملی برنمی دارند؟ آیا این همه جنایات در سرزمین های اسلامی به ویژه عراق و افغانستان که بر اثر لشکرکشی بیگانگان صورت می گیرد، هشداری نیست؟ آیا هجوم سازمان یافته استکبار علیه کیان و تمامیت ارضی امت اسلامی در جنگ نرم و نبرد رسانه ای را که ایمان، ارزش ها و اعتقادها به خصوص جوانان را نشانه گرفته است، نمی بینیم؟ آیا تز استعماری و زنگ خورده، اما با رنگ و لعاب جدید اختلاف اندازی میان مسلمانان را در قرن بیست و یکم مشاهده نمی کنیم؟

مگر ما امت پیامبری نیستیم که فرمود: مسلمان، برادر مسلمان است. به او ستم نمی کند و دشنام نمی گوید، دوستی او را حفظ می کند. همیشه خیرخواه او است. پیمان ها و تعهدات را محترم می شمارد. احسان و هدیه او را جبران می کند. او را دوست می دارد و

یاری می کند. او را تسلیم دشمن نمی کند. هر خیر و نیکی که برای خود می خواهد، برای او نیز می خواهد. هر بدی و شری که خود را از آن دور می کند برای او نیز نمی خواهد و آرزو نمی کند. و نیز فرمود: ای مردم همدیگر را دشمن ندارید و برادر هم باشید. بیاییم به آموزه های نبوی عمل کنیم.

امید آنکه با الهام از قرآن مجید و اسلام عزیز و آموزه های پیامبر گرامی اسلام و تأسی از سیره نبوی در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی، شاهد هم بستگی، سربلندی و عزت جهان اسلام و شکست و ناکامی دشمنان باشیم.

نوشتار حاضر در جهت آشنایی با برخی آیات، احادیث و سخنان امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری در ارتباط با اتحاد ملی و انسجام اسلامی به سفارش اداره کل روابط عمومی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است.

امید که دریچه ای از اتحاد و هم دلی به سوی همگان گشوده شود و شاهد تحقق منویات امام راحل و مقام معظم رهبری در سراسر جهان اسلام باشیم.

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

آن روز که خورشید نبوت در آسمان کعبه رخ نمود، کسی باور نداشت که این سفیر الهی برای بشر خفته درس ها و گفتنی های بسیار دارد. محمدامین صلی الله علیه و آله، با ره توشه ایمان، عصمت و صداقت، طریق هدایت بشر را در پیش گرفت و با سر دادن ندای توحید، روح معنویت را در دل تشنگان حقیقت دمید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله با درایت خویش سکان رهبری امت اسلامی را در دست گرفت و با شعار «إِنَّمَا الْمُؤمِنُونَ إِخْوَةٌ.» (حجرات:۱۰) تفرقه و پراکندگی میان مسلمانان را به اتحاد و برادری تبدیل کرد. مهاجر و انصار با هم برادر شدند و زنگار کینه جاهلیت را از دل زدودند. پیامبر رحمت برای حفظ و پایداری این برادری، پیام وحی را به گوش امت رساند که «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا». (آل عمران: ۱۰۳)

حال اگر باورها یکی باشد، آرمان ها یک افق را بنگرد و تعالی، انگیزه مشترک زیستن گردد، آن سان که باید جمعیت عظیم مسلمان آن گونه باشند، الفت و یک دلی حاکم قلب های بی شمار می شود. اگر مردمان به ریسمان محکم ایمان چنگ زنند و بر گرد تفرقه نگردند، آن سان که دستور صریح قرآن است، اتحاد و انسجام پرتوگستر سرزمین های اسلام می شود.

رفع اختلاف ها، زدودن غبار کینه ها و محکم کردن پیوندها و پیمان ها از گران قدرترین

ص:۱۲

سرفصـل های اجتماعی اسـلام است. آیین اسـلام که فرهنگ هم دلی، هم سویی و فریادرسـی است، پیوسـته به غم زدایی، دل جویی و صـلح دادن میـان مردمـان توصـیه می کنـد. در این فرهنـگ، عالمـان دین گستر و مصـلحان اجتماعی که فراتر از مرز خودسـاختن، به دیگران پرداختن را پیشه خود دارنـد، ارزشـی افزون تر از عابـدان و عارفـان به خود پرداخته می یابنـد و بـدین گونه است که آشتی دادن میان دو تن، از نماز و روزه یک سال پاداشـی فراتر می گیرد. این سـخن امیر مهربانی حضـرت علی علیه السلام است که:

به ریسمان الهی چنگ زنید و دچار تفرقه نشوید. همانا من از رسول خدا شنیدم که می فرمود: آشتی دادن افراد و رفع اختلاف از آنـان از نمـاز و روزه یـک سال برتر است. همانا هلاک کننـده و از بین برنـده دین، ناسازگاری و اختلاف افراد با یکـدیگر است.(۱)

هر جا که رذیلت ها فرصت حضور بیابنـد، اختلاف ها و کشـمکش ها رخ عیان می کنند. خودخواهی، خو دبرتر بینی، منفعت پرستی، آز و کینه و حسـد و هر چه در حریم اخلاـق نباشـد، سرچشـمه نزاع است و فرجـامی جز پایمـال کردن باورهای دینی، سست شدن بنیان های اجتماعی و آسـیب دیدن ارزش های فرهنگی ندارد. اگر انسان ها دل به تسلیم و سر به بندگی بسپرند و در پرتو نعمت اسلام حلقه برادری تشکیل دهند، اختلاف ها رنگ می بازد و نزاع ها مجال ظهور نمی یابد.

سیره گران سنگ امامان معصوم علیهم السلام در بذل

۱- [۱] . صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۳.

مهرورزی و رفتار کریمانه آنان در گذشت و خطاپوشی و همچنین توصیه های گسترده اسلام به گشاده رویی و محبت، حلم و مدارا، صبر و صلح، و بدی را با نیکی پاسخ دادن همه نشان از نگاه ژرف اسلام به اتحاد و انسجام و پرهیز از اختلاف و نزاع است. قرآن کریم نیز مؤمنان را به دوری از ستیزه و پاسداشت شکیبایی امر کرده و می فرماید:

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است. (انفال: ۴۶)

رسول اعظم صلی الله علیه و آله نیز در این باره می فرمایند:

آدمی آن گاه به حقیقت و کمال ایمان می رسد که از مجادله و بحث های اختلاف افکن و خصومت آمیز بپرهیزد، هرچند حق با او باشد.(۱)

از سوی دیگر، دشمنان قسم خورده اسلام و پیامبر، پیوسته به دنبال ایجاد شکاف در صفوف به هم پیوسته مسلمانان بوده و هستند و هر روز بر آتش فتنه های تفرقه انگیز میان مسلمانان، دامن می زنند. امروزه با ناکامی آنان در عرصه های نظامی و سیاسی، این توطئه ها چنان افزایش یافته است که اتحاد و هم بستگی ملی و انسجام اسلامی از ضروری ترین نیازهای جهان اسلام به شمار می رود. بنابراین، مقام معظم رهبری به منظور بیداری و بسیج امت اسلامی، سال جاری را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیده است. این امر، رسالت همه

۱- [۱] . محدث قمی، سفینه البحار، ماده مراء.

فرهنگ سازان جهان اسلام را بیش از پیش سنگین کرده و بر ماست که با تدبیر و برنامه ریزی دقیق و جامع، گام هایی اساسی در تحقق این امر مهم برداریم.

ما نیز به سهم خود به منظور آشنایی بیشتر با آیات، احادیث و سیره و سخنان بزرگان بر آن شدیم تا صفحاتی را از سرچشمه قرآن و عترت تهیه و فراروی خوانندگان قرار دهیم.

نوشتار حاضر در چهار فصل تدوین شده است. در فصل نخست به ذکر برخی آیات مرتبط، همراه با نکته ها و پیام ها پرداختیم. فصل دوم را به نقل برخی احادیث پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم السلامهمراه با پیام های آنها اختصاص دادیم. در فصل سوم نگاهی کوتاه به نمونه هایی از سیره پیامبر رحمت و پیشوایان معصوم علیهم السلام و چند نمونه از حکایات تاریخی دوخته ایم و در پایان فصل چهارم را با گزیده ای از سخنان گهربار امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری درباره اتحاد ملی و انسجام اسلامی زینت بخشیده ایم. امید آنکه این اثر مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد.

ص:۱۵

فصل اول:اتحاد و انسجام در آموزه های قرآنی

اشاره

آیات نورانی قرآن، همه مسلمانان را به اتحاد و انسجام و یک پارچگی فرامی خواند و از همگان می خواهد که به ریسمان الهی بپیوندند تا در سایه این هم دلی و الفت جامعه ای نمونه ایجاد کنند. بی تردید، آموزه های ثمین آیات الهی می تواند روشنای خاصی در فرا راه دست یابی به اتحاد و انسجام ایجاد کند. ازاین رو، پس از مرور کریمه های قرآنی، نکات و رهنمودهای آن در حد بضاعت استخراج و تقدیم ره پویان می گردد.

الف) گزیده آیات اتحاد و انسجام

در بسیاری از آیات قرآن به حفظ وحدت و انسجام میان مسلمانان تأکید و سفارش شده است که برخی از این آیات عبارتند از:

۱. وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعاً وَ لاتَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانا وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران: ۱۰۳).

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید. پس میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شُدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه خداوند، نشانه های خود را برای شما روشن می کند، باشد که شما راه یابید.

ص:۱۶

۲. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكَمْ وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّكَمْ تُرْحَمُونَ (حجرات:۱۰).

در حقیقت، مؤمنان با هم برادرنـد. پس میان برادرانتان را سازش دهیـد و از خـدا پروا کنید. امید که از رحمت [خدا] بهره مند شوید.

۳. وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما (حجرات: ۹).

و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح کنید.

۴. يـا أَيُّهَـا الَّذينَ آمَنُوا لايَسْـخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسـى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَ لا نِساءٌ مِنْ نِساءٍ عَسـى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَ لاتَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لاتَنابَزُوا بِالْأَلْقابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإيمانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولئِكَ هُمُ الظّالِمُونَ (حجرات: ۱۱).

ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید قومی، قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی، زنانِ [دیگر] را [ریشـخند کننـد]، شایـد آنها از اینها بهتر باشـند و از یکـدیگر عیب جویی نکنیـد و به همـدیگر لقب های زشت ندهیـد. چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هرکه توبه نکرد، آنان خود ستم کارند.

۵. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ وَ الَّذينَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَى الْكُفّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ تَراهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللّهِ وَ رِضْوانًا (فتح: ۲۹).

محمـد صـلی الله علیه و آله پیـامبر خـداست و کسانی که با اوینـد، بر کافران، سـخت گیر [و] با همـدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند.

۶. وَ أَطيعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ريحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرينَ (انفال: ۴۶).

و از خـدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نجنگید که سُـست شوید و مهابت شـما از بین برود و صبر کنید که خدا با شـکیبایان است.

۷. وَ لاتَكُونُوا كَالَّذينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ عَظيمٌ (آل عمران: ۱۰۵).

و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل آشکار

برایشان آشکار شد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است.

۸. وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ (توبه: ۷۱).

مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند.

۹. یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً وَ لاتَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ (بقره: ۲۰۸).

ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی به اطاعت [خدا] درآیید و گام های شیطان را دنبال مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.

۱۰. وَ ما کانَ النّاسُ إِلاّ أُمَّةً واحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْ لا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ فیما فیهِ یَخْتَلِفُونَ (یونس: ۱۹).

و مردم جز یک امت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، به یقین در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می کنند، میانشان داوری می شد.

۱۱. إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء: ۹۲).

این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید.

۱۲. وَ إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاتَّقُونِ (مؤمنون: ۵۲).

و در حقیقت، این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم. پس از من پروا دارید.

۱۳. یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لاتَتَّخِذُوا الْکافِرینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنینَ أَتُریدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلّهِ عَلَیْکُمْ سُلْطانًا مُبینًا (نساء: ۱۴۴).

ای کسانی که ایمان آورده اید! به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید. آیا می خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید؟

۱۴. قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلی أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذابًا مِنْ فَوْقِکُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً... (انعام: ۶۵).

بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد].

۱۵. إِنَّ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فی شَیْءٍ إِنَّما أَمْرُهُمْ إِلَی اللّهِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما کانُوا یَفْعَلُونَ (انعام: ۱۵۹).

کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ گونه مسئول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست، آن گاه به آنچه انجام می دادند، آگاهشان خواهد کرد.

۱۶. ... وَ لاتَکُونُوا مِنَ الْمُشْرِکینَ مِنَ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعًا... (روم:۳۱و۳۲).

...و از مشرکان مباشید؛ از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند... .

۱۷. شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصّی بِهِ نُوحًا وَ الَّذی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهیمَ وَ مُوسی وَ عیسی أَنْ أَقیمُوا الدِّینَ وَ لاتَتَفَرَّقُوا فیهِ... (شورا: ۱۳).

از [احکام] دین، آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی مکنید.

۱۸. وَ ما تَفَرَّقُوا إِلاّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ وَ لَوْلا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ إِلی أَجَلٍ مُسَمّیً لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ (شوری: ۱۴).

و فقط پس از آنکه علم برایشان آمد، راه تفرقه پیمودند، [آن هم] به صرف حسد [و برتری جویی] میان همدیگر و اگر سخنی [دایر بر تأخیر عذاب] از جانب پروردگارت تا زمانی معیّن، پیشی نگرفته بود، قطعاً میانشان داوری شده بود.

ب) آیات و نکته ها(۱)

۱- [۱] . محسن قرائتی، برگرفته از: تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۴۲ با گزینش.

۱. تمسک به ریسمان الهی

اشاره

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَميعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانًا وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران: ۱۰۳).

همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت هایی را که خداوند به شما عطا کرده است، یاد کنید و به یاد آورید زمانی را که دشمن یکدیگر بودید و خداوند، میان دل هایتان الفت به وجود آورد. پس در سایه نعمت او برادران یکدیگر شُدید و شما در لب پرتگاهی از آتش بودید. پس خداوند، شما را از آن پرتگاه نجات داد. خداوند این گونه آیات خود را برای شما بیان می کند، شاید پذیرای هدایت شوید.

پیام ها و نکته ها

۱. وحدت و دوری از تفرقه، وظیفه ای الهی است.

۲. محور وحدت باید «حبل اللّه» باشد.(۱)

۳. وحدتی که بر محور نژاد، زبان، ملیت، اقتصاد و سیاست باشد، بی ثبات است.

۴. وحدت ظاهری بی اثر است، ولی الفت دل ها به دست خداست که خود در قرآن می فرماید:

«فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» و اگر همه سرمایه های زمین را خرج کنی، نمی توانی بدون خواست او میان دل ها الفت برقرار سازی.

۵. وحدت، عامل اخوت است. «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ

ص:۲۰

۱- [۱] . امام علی علیه السلام در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه می فرماید: «قرآن، حبل اللّه است.» در تفسیرمجمع البیان نیز به نقل از امام صادق علیه السلامآمده است: «نحن حبل اللّه؛ ما [اهل بیت] ، حبل اللّه هستیم» و در تفسیر نورالثقلین، جلد اول نیز روایت شده است: «علی بن ابی طالب علیه السلامحبل اللّه است».

إِخْواناً».

۶ . تفرقه و دشمنی پرتگاه آتش است. «شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ».

۷. اتحاد، نعمت بزرگ الهی است.(۱) «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ».

۸. از برکات و خدماتی که اسلام به شما ارزانی داشته است، غافل نشوید. «إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ».

۹. یادآوری نعمت های الهی، مایه عشق و زمینه ساز هدایت است. «وَاذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ... لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ».

۱۰. نعمت های خداوند آیات الهی هستند. «وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ... یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ».

۲. برادری مؤمنان

اشاره

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات: ۱۰)

همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند. پس میان برادران خود (در صورت اختلاف و نزاع) صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا کنید تا از رحمت [خدا] بهره مند گردید.

نکته ها

در این آیه از قرآن، رابطه مؤمنان با یکدیگر مانند رابطه دو برادر معرفی شده است. در این تعبیر، نکته هایی نهفته که برخی از آنها عبارت است از:

الف) دوستی دو برادر، عمیق و پایدار است.

ب) دوستی دو برادر، متقابل است، نه یک جانبه.

۱- [۱] . تفرقه در ردیف عذاب های آسمانی و زمینی و نوعی عذاب و مجازات الهی به شمار می رود. در اسلام، دروغ گفتن برای ایجاد وحدت جایز و راست گفتنِ تفرقه انگیز حرام است.

ج) دوستی دو برادر، بر اساس فطرت و طبیعت است، نه جاذبه های مادی و دنیوی.

د) دو برادر در برابر بیگانه، یگانه اند و بازوی یکدیگر.

ه) دو برادر از یک اصل و ریشه هستند.

و) توجه به برادری موجب گذشت و چشم پوشی است.

ز) در شادی برادر، شاد و در غم او غمگین است.

امروزه برای اظهار علاقه به دیگران کلمات دوست، هم شهری و هم وطن استفاده می شود، ولی اسلام برای بیان این رابطه، کلمه برادر را به کار برده که عمیق ترین واژه هاست.

در روایتی از معصوم علیه السلام دو برادر دینی به دو دست تشبیه شده اند که یکدیگر را شست وشو می دهند.(۱)

در این آیه و آیه پیش، سه بار فرمان «اصلحوا» تکرار شده که نشانه توجه اسلام به برقراری صلح و دوستی میان افراد جامعه است.

خداوند در آیه ۹ سوره حجرات می فرماید: «فَأَصْلِحُوا... واقسطوا؛ به عدالت، صلح برقرار کنید» و در آیه ۱۰ همین سوره آمده است: «فأصلحوا... واتّقوا؛ در برقراری صلح، تقوای الهی پیشه کنید»؛ یعنی اگر شما را به عنوان حاکم و قاضی انتخاب کردند، در اجرای حکم، خدا را در نظر بگیرید، نه آنکه حکم شما، مایه ستم به یکی از طرفین شود.

برادری (اخوت)

یکی از ویژگی های دین مبین اسلام آن است

۱- [۱] . ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۱۹.

که به طور اساسی و ریشه ای به اصلاح امور می پردازد. برای مثال خداوند در آیه ای می فرماید: «اِنّ العِزَّهِ لِلّه جَمیعاً؛ تمام عزت از آنِ خداست.» (یونس: ۶۵) چرا برای کسب عزت به سراغ این و آن می روید؟ یا در آیه ای دیگر آمده است: «اِنّ القوّه لِلّه جَمیعاً؛ تمام قدرت ها از آنِ اوست.» (بقره: ۱۶۵) چرا به صاحبان قدرت های فانی و دنیوی دل خوش می دارید؟! در آیه ۱۰ سوره حجرات نیز می خوانیم: «همه مؤمنان با یکدیگر برادرند.» پس به برکت این برادری قهر و دشمنی را کنار بگذارید و با یکدیگر دوست باشید.

برای اصلاح رفتار فرد و جامعه باید مبنای فکری و اعتقادی آنان را اصلاح کرد. طرح برادری و الفت و به کارگیری این واژه، از راه کارهای سازنده اسلام برای اصلاح مبنای فکری و اعتقادی مسلمانان است.

در روایتی آمده است پیامبر خدا به همراه هفت صد و چهل نفر از یارانش در منطقه «نخلیه» بود که جبرئیل بر حضرت نازل شد و فرمود: «خداوند میان فرشتگان پیمان برادری بسته است.» بر همین اساس حضرت نیز میان اصحابش عقد برادری بست. رسول خدا صلی الله علیه و آله میان _ابوبکر _با _عمر_، _عثمان _با _عبدالرحمان_، _سلمان _با _ابوذر_، _طلحه _با _زبیر_، _مصعب _با _ابوایوب انصاری_، _حمزه _با _زید بن حارثه_، _ابودرداء _با _بلال_، _جعفر طیار _با _معاذ بن جبل_، _مقداد _با _عمار_، _عایشه _با _حفصه_، _ام سلمه _با _صفیه _پیمان برادری برقرار ساخت و خود نیز با علی علیه السلام عقد برادری بست.(۱) این پیمان چنان محکم و

۱- [۱] . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۳۵.

استوار بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد دو نفر از شهیدان جنگ احد به نام های ـعبداللّه بن عمر ـو ـعمرو بن جموح ـرا که میانشان پیوند برادری برقرار شده بود، در یک قبر دفن کنند.(۱)

به فرموده خداوند، برادریِ نسبی، روزی گسسته خواهد شد؛ «فلا أَنساب بَینَهُم» (مؤمنون: ۱۰۱) ولی برادریِ دینی حتی در قیامت نیز برقرار خواهد بود. چنان که در قرآن آمده است: «إِخْوانًا عَلی سُرُرٍ مُتَقابِلینَ». (حجر: ۴۷)

دوستی و برادری باید تنها برای خدا و برای رضای او باشد. اگر کسی برای امور دنیوی با کسی دوستی کند، به منظور و هدف دلخواهش نمی رسد و در قیامت نیز دشمن یکدیگر می شوند.(۲) خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید: «الْأَخِلاّءُ یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقینَ؛ در قیامت، همه دوستان با هم دشمن می گردند، جز پرهیزکاران». (زخرف: ۶۷)

آنچه مهم تر از برقراری پیوند برادری است، حفظ این پیوند ارزشمند است. در روایات و آموزه های اسلامی از کسانی که برادران دینی خود را رها می کنند، به شدت انتقاد شده و سفارش شده است که اگر برادرانت از تو فاصله گرفتند، تو با آنان رفت وآمد داشته باش و اگر از تو بریدند، تو با آنان پیوند برقرار ساز.(۳)

ص:۲۴

۱- [۱] . نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۲۱۴؛ بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۱۲۱.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۷.

۳- [۳] . همان، ج ۷۸، ص ۷۱.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مؤمن، برادر مؤمن است؛ مانند یک جسم که اگر بخشی از آن بیمار گردد، همه بدن ناراحت است.»(۱) سعدی با استفاده از این حدیث ارزشمند، می سراید:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش، ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

حقوق برادری

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مسلمان بر برادر مسلمانش سی حق دارد که هر یک باید آن حقوق را ادا کنند. از جمله به او عفو و مهربانی کند؛ اسرارش را پنهان دارد؛ اشتباه هایش را جبران کند؛ عذرش را بپذیرد؛ در برابر بدخواهان از وی دفاع کند؛ نسبت به او خیرخواه باشد؛ به وعده هایی که به وی داده است، عمل کند؛ هنگام بیماری به عیادتش برود؛ به تشییع جنازه او برود؛ دعوت و هدیه اش را بپذیرد؛ هدایای او را جبران کند؛ از خدمات او قدردانی کند؛ او را یاری رساند؛ ناموس او را حفظ کند؛ حاجتش را برآورده سازد؛ واسطه حل مشکلاتش شود؛ وی را برای یافتن گم شده اش راهنمایی کند؛ هنگام عطسه کردن به او تهنیت گوید؛ سلامش را پاسخ دهد؛ به سخن و گفته اش احترام بگذارد؛ هدیه ای نیکو برایش تهیه کند؛ سوگندش را بپذیرد؛ دوست او را دوست بدارد و با او دشمنی نکند؛ در حوادث تنهایش نگذارد؛ هرچه را برای خود

۱- [۱] . کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۳۳.

می خواهد، برای او نیز بخواهد و... .(۱)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پس از تلاوت آیه «اِنَّمَا الْمُؤمِنُونَ اِخْوَه» فرمود:

خون مسلمانان با هم برابر است و اگر یکی از آنان به کسی پناه یا امان داد، دیگران باید به آن تعهد پای بند باشند و همه در برابر دشمن مشترک، بسیج شوند.(۲)

صلح و آشتی در قرآن

وجود واژه هایی مانند صلح، «والصُّلحُ خَیر»،(۳) اصلاح «وَأصلِحوا ذاتَ بینکم»،(۴) تألیف قلوب، «فَاَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُم»(۵) و سِلم، «ادخلُوا فِی السِّلم کافّه»(۶) در قرآن نشان دهنده توجه اسلام به صلح و صفا و زندگی مسالمت آمیز و شیرین است.

یکی از نعمت های الهی که خداوند در قرآن بیان کرده، الفت میان مسلمانان است، چنان که خداوند خطاب به مسلمانان می فرماید: «وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۶.

۲- [۲] . مفید، امالی، ص ۱۸.

۳- [۳] . نک: نساء: ۱۲۸.

۴- [۴] . نک: انفال: ۱.

۵- [۵] . نک: آل عمران: ۱۰۳.

۶- [۶] . نک: بقره: ۲۰۸.

أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ؛ به یاد آورید که شما پیش از اسلام با یکدیگر دشمن بودید. پس خداوند میان دل های شما الفت برقرار کرد.» (آل عمران:۱۰۳) برای نمونه اسلام میان قبیله اوس و خزرج که یک صد وبیست سال با یکدیگر در جنگ بودند، صلح و دوستی برقرار کرد.

اصلاح و آشتی دادن میان افراد بخشودگی و رحمت خداوند را برای فرد آشتی دهنده در پی خواهد داشت. خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید: «إِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللّهَ کانَ غَفُوراً رَحیماً؛ اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید، همانا خدا بخشنده و مهربان است.» (نساء: ۱۲۹) بنابراین، هر کس میان مسلمانان صلح و آشتی برقرار سازد، از جانب پروردگار پاداشی نیکو دریافت خواهد کرد که خداوند می فرماید: «مَنْ یَشْفَعْ شَفاعَةً حَسَنَةً یَکُنْ لَهُ نَصیبٌ مِنْها؛ هر کس سبب کار نیکویی شود، او نیز بهره ای کامل از آن (کار نیکو) برد... .» (نساء: ۸۵).

دین اسلام برای اصلاح میان مردم، احکام ویژه ای معیّن کرده است، از جمله:

۱. در صورتی که دروغ (که از گناهان کبیره است) برای آشتی و اصلاح میان افراد استفاده شود، جرم و گناهی ندارد. «لاکِذْبَ عَلَی الْمُصْلِحِ».(۱)

۲. اگر نجوا و در گوشی سخن گفتن که از کارهای شیطان و مورد نهی است،(۲) برای اصلاح و آشتی دادن باشد، منعی ندارد. که «لا خَیْرَ فی کَثیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلاّ مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَیْنَ النّاسِ...». (نساء:۱۱۴)

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۴۲.

۲- [۲] . نک: مجادله: ۱۰.

۳. با اینکه عمل به سوگند، واجب و شکستن آن حرام است، ولی اگر کسی سوگند یاد کند هرگز به اصلاح و آشتی دادن میان دو نفر نپردازد، شکستن این سوگند از دیدگاه اسلام جایز است که «وَ لاتَجْعَلُوا اللّهَ عُرْضَةً لِأَيْمانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تُصْلِحُوا بَيْنَ النّاسِ.» (بقره: ۲۲۴)

۴. در دین اسلام، عمل به وصیت، واجب و ترک آن حرام است، ولی هرگاه عمل کردن به وصیت، موجب فتنه و کدورت میان افراد شود، اسلام اجازه می دهد وصیت نادیده گرفته شود تا میان مردم صلح و صفا حاکم باشد، چنان که خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید: «فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ...؛ و هر کس بترسد که از وصیت به وارث او جفا و ستمی رود، به اصلاح آن بپردازد و بر او گناهی نیست» (بقره: ۱۸۲).

پیام ها

۱. رابطه برادری، در گرو ایمان است. مسائل اقتصادی، سیاسی، نژادی، جغرافیایی، تاریخی و مانند آن نمی تواند میان مردم روح برادری برقرار سازد که:

جانِ گرگان و سگان از هم جداست

متحد، جان های شیران خداست

۲. برادری بر اساس ایمان، به سن، شغل، سواد و درآمد مشروط نیست.

۳. هیچ انسانی نباید خود را برتر از دیگران بداند. آری، میان والدین و فرزند برتری است، ولی میان برادران، برابری است.

ص:۲۸

۴. باید برای برقراری صلح و آشتی، از کلمات محبت آمیز و دوستانه استفاده کنیم.

۵. جلوگیری از جنگ و اصلاح امور و برقراری صلح، وظیفه ای عمومی است، نه وظیفه گروهی ویژه و معدود.

۶. بهتر است اصلاح کننده میان دو نفر، خود را برادر طرفین درگیر بداند.

۷. اصلاح و آشتی دادن، آفت هایی دارد که باید آنها را از میان برداشت.

۸. صلح و صفا، مقدمه نزول رحمت الهی است.

۹. جامعه بی تقوا، از رحمت الهی محروم است.

۳. آشتی دادن مؤمنین

اشاره

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَیْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَی الْأُخْری فَقاتِلُوا الَّتی تَبْغی حَتّی تَفیءَ إِلی أَمْرِ اللّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَیْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطینَ.(حجرات:۹)

و اگر دو گروه از مؤمنان به جنگ پرداختند، پس میان آنان صلح و آشتی برقرار کنید. سپس اگر یکی از دو گروه بر دیگری تجاوز کرد، با متجاوز بجنگید تا به فرمان خداوند بازگردد. پس اگر متجاوز بازگشت [و دست از تجاوز برداشت]، میان آن دو گروه به عدالت، صلح برقرار کنید و عدالت ورزید که خداوند، عدالت پیشگان را دوست دارد.

نکته ها(۱)

گرچه اقتضای ایمان، دوری از درگیری و اختلاف مؤمنان با یکدیگر است، ولی مؤمنان، معصوم و از خطا مبرا نیستند و چه بسا گفتن

ص:۲۹

۱- [۱] . برگرفته از: محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۱، ص ۱۸۳ با تلخیص.

جمله ای یـا انجـام دادن کـاری موجب بروز درگیری میان آنان شود. بنابراین، بایـد آمادگی لازم را داشت تا در صورت بروز چنین برخوردهایی، آتش فتنه را خاموش کرد.

در این آیه، ۳ بار به برقراری صلح و اصلاح میان مردم، تأکید و سفارش شده است.

آنچه می توانـد صـلح و عدالت را در جامعه حاکم سازد و از هرگونه خطا و نقص به دور باشد، قوانین الهی است که پیامبران آن را بر بشر عرضه می کنند، قوانینی که پروردگار متعال بر پایه علم، حکمت و لطف بی نهایت خویش آنها را وضع کرده و آورنده آن، نخستین عمل کننده به آن است.

پیام ها

۱. مسلمانان در برابر یکدیگر مسئولند و بی توجهی به درگیری های میان آنها درست و پذیرفته نیست.

۲. برای آشتی دادن و برقراری صـلح میـان مسـلمانان، بایـد به سـرعت و بـدون تـأخیر اقـدام کرد (حرف فاء در فأصـلحوا نشانه سرعت است).

۳. اگر یکی از دو گروه درگیری، ستم و زورگویی کرد، امت اسلامی باید بر ضد او بسیج شود.

۴. مدت مبارزه، تا زمان رسـیدن به هدف است «حَتَّی تَفیءَ إِلَی أمرِ اللّهِ» و ساعت و تاریخ ویژه ای ندارد و مانند مدت مراجعه بیمار به پزشک و مصرف داروست که تا زمان تندرستی باید ادامه یابد.

۵. در قیام های اسلامی، هدف های شخصی، قومی، حزبی، انتقام، خودنمایی و گرفتن زهرچشم از دیگران مطرح نیست.

ص:۳۰

۶ . هرجا توفان غرایز و غضب و لغزشگاه خطرناکی بود، سفارش و تأکید پی در پی به اصلاح لازم است.

۷. هرجا مشکلی وجود دارد، از نیروی محبت استفاده کنید.

۸ . آشتی دادن دو طرف جنگ، بدون برقراری عدالت، محبوب خداوند نیست.

۴. پرهیز از اهانت

اشاره

یـا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا ـ یَسْـخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْم عَسی أَنْ یَکُونُوا خَیْرًا مِنْهُمْ وَ لا ـ نِساءٌ مِنْ نِساءٍ عَسی أَنْ یَکُنَّ خَیْرا مِنْهُنَّ وَ لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَکُمْ وَ لاتَنابَزُوا بِالْأَلْقابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإیمانِ وَ مَنْ لَمْ یَتُبْ فَأُولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید! مبادا گروهی [از شما] گروهی دیگر را مسخره کند، چه بسا که مسخره شدگان، بهتر از مسخره کنندگان باشند و زنان نیز زنان دیگر را مسخره نکنند. شاید که آنان بهتر از اینان باشند و در میان خودتان عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب های بد نخوانید؛ [زیرا] فسق پس از ایمان، بد رسمی است [و سزاوار شما نیست] و هر کس [از این اعمال] توبه نکند، پس آنان همان ستمگرانند.

شأن نزول

بنابر گفته ــابن عباس ــاین آیه درباره ــثابت بن قیس بن شماس ــنازل شده است. چون گوش وی سنگین بود، کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله می نشست تا سخنان حضرت را به راحتی بشنود. روزی دیر رسید و مردم اطراف پیامبر گرد آمده

بودند. ثابت، مردم را کنار می زد و می گفت راه بدهید. مردی به او گفت: اینجا بنشین، چرا نمی نشینی؟ ثابت خشمگین شد و گفت: تو پسر فلانه نیستی؟ و آن زن در جاهلیت بدنام بود. مرد از سخن وی شرمگین شد و این آیه بر پیامبر نازل گردید.(۱) خدا نمی خواست شیطان در دل مردم سست ایمان بدمد تا با سختی وحدت مسلمانان را بر هم بزنند.

_ضحاك _نیز گفته است این آیه درباره _وفد تمیم_ است که چون نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمدند، برخی اصحاب پیامبر چون _عمار، خباب، بلال_، _صهیب _و _سلمان _را به دلیل فقرشان تحقیر کردند.(۲)

نکته ها:

«لمز» عیب جویی در روبه رو و «همز» عیب جویی در پشت سر است.(۳) و «تنابُز» صدا زدن دیگران با لقب بد است.(۴)

در این آیه به برخی عوامل و ریشه های فتنه و درگیری اشاره شده که مسخره کردن، تحقیر کردن و به بدی نام بردن از کسی از آن جمله است.

یکی از برکات عمل به آموزه های اسلام، سالم سازی محیط و جلوگیری از درگیری های اجتماعی است.

شاید بتوان گفت که عنوان تمسخر و تحقیر که در این آیه مطرح شده، از باب نمونه

۱- [۱] . میبدی، کشف الاسرار، ج ۹، ص ۲۵۹.

۲- [۲] . ابوالفتوح رازی، تفسیر ابوالفتوح، ذیل همان آیه.

۳- [۳] . کتاب العین.

۴- [۴] . لسان العرب.

است و هر سخن یا حرکتی که اخوت و برادری اسلامی را خدشه دار کند، ممنوع است.

تمسخر دیگران

مسخره کردن، در ظاهر یک گناه، ولی در باطن چند گناه است. در مسخره کردن، گناهانی چون تحقیر، خوار کردن، فاش کردن عیوب، اختلاف افکنی، غیبت، کینه، فتنه، تحریک، انتقام و طعنه به دیگران نهفته است.

ریشه های تمسخر

۱. گاهی این مسخره کردن برخاسته از غرور ناشی از ثروت است که خداوند در قرآن می فرماید: «وَیْلٌ لِکُلِّ هُمَزَهٍ لُمَزَهٍ، الَّذی جَمَعَ مالاً وَ عَدَّدَهُ؛ وای بر کسی که به خاطر ثروتی که اندوخته است، در پیش رو یا پشت سر، از دیگران عیب جویی می کند». (همزه: ۱و۲)

۲. گاهی ریشه استهزا، دانش و مدرک تحصیلی است که در قرآن درباره این گروه آمده است: «فَرِحُوا بِما عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حاقَ بِهِمْ ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ؛ آنان به دانشی که دارند، شادند و کیفر آنچه را مسخره می کردند، آنها را فراگرفت». (غافر:۸۳)

۳. گاهی توانایی جسمی، دلیل مسخره کردن کسانی می شود که از این توانایی بی بهره اند، چنان که در آیه ای از قرآن از زبان کفار آمده است: «مَن اَشَدُّ مِنّا قُوّه؛ کیست که قدرت و توانایی او از ما بیشتر باشد؟» (فصلت:۱۵)

۴. گاهی نیز انگیزه مسخره کردن دیگران، عناوین و القاب اجتماعی است. برای مثال، کفار، پیروان پیامبر را که فقیر بودند، تحقیر می کردند و می گفتند: «ما نَراکَ اِتَّبَعَکَ اِلاّ الَّذِینَ هُم اَراذِلُنا؛ ما پیروان تو را جز افراد پست

نمی بینیم». (هود: ۲۷)

۵. گاهی افراد، برای تفریح و سرگرمی و با عنوان شوخی به تمسخر گرفته می شوند.

۶ . گاهی طمع به مال و مقام، سبب عیب جویی از دیگران و تمسخر آنان می شود، چنان که گروهی از مسلمانان درباره پرداخت زکات، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عیب جویی می کردند که خداوند در قرآن می فرماید:

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْها رَضُوا وَ إِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْها إِذا هُمْ يَسْخَطُونَ. (توبه: ۵۸)

ریشه این انتقاد طمع است. اگر از همان زکات به خود آنان بدهی، راضی می شوند، ولی اگر ندهی، همچنان ناراضی هستند و عیب جویی می کنند.

۷. گاهی نیز فرد بر اثر نادانی و با آگاهی، به مسخره کردن افراد دیگر می پردازد. در قرآن کریم آمده است هنگامی که حضرت موسی علیه السلامدستور کشتن گاو را داد، بنی اسرائیل گفتند: آیا ما را مسخره می کنی؟ حضرت موسی علیه السلام گفت: «أَعُوذُ بِاللّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجاهِلِينَ؛ به خدا پناه می برم که از جاهلان باشم.»(بقره:۶۷) این آیه مبیّن آن است که مسخره کردن دیگران از نادانی است.

یکی از کارهای پسندیده حضرت محمد صلی الله علیه و آله، تغییر دادن نام افراد و مناطقی بود که نامی زشت داشتند؛(۱) زیرا نام بد، وسیله ای برای تمسخر و تحقیر است.

پیام ها

۱. ایمان، با مسخره کردن بندگان خدا سازگار نیست.

۱- [۱] . ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۷۶؛ ج ۴، ص ۳۶۲.

۲. کسی که مردم را از توهین به دیگران باز می دارد، نباید لحن سخنش آمیخته به توهین باشد.

۳. مسخره کردن، کلید فتنه، کینه و دشمنی است.

۴. ریشه مسخره کردن، احساس خود برتربینی است که در آیات قرآن، این حس بسیار نکوهش شده است و خداوند فرموده: «نباید خود را بهتر از دیگران بدانید، شاید او بهتر از شما باشد».

۵. ما از باطن مردم آگاه نیستیم. پس نباید ظاهربین و سطحی نگر باشیم.

۶. عیب جویی از مردم، در حقیقت، عیب جویی از خود است.

۷. مسخره کردن و با نام و عناوین بد از یکدیگر یاد کردن، گناه است و باید از آن توبه کرد.

۸. مسخره کردن، تجاوز به حریم افراد است و اگر مسخره کننده توبه نکند، ستم کار است.

۵. سیمای یاران پیامبر

محمَّدٌ رسولُ اللّهِ وَ الَّذِینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ رُحماءُ بَیْنَهُم تَراهُمْ رُکَّعا سُجَّدا یَبْتَغُوْنَ فَضلاً مِنَ اللّهِ وَ رِضوانا سِیمَاهُمْ فِی وُجُوهِهِمْ مِن أَثَرِ السُّجوُدِ ذلکَ مَثَلُهُمْ فی التَّورهِ وَ مَثَلُهُمْ فِی الإِنْجِیلِ کَزَرعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَأَزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرّاعَ لِیغیظَ بِهِمُ الْکُفّارَ وَعَدَ اللّهُ الَّذینَ امَنوا وعَمِلُوا الصّالِحاتِ مِنهُمْ مَغفرةً و اَجرا عَظیماً. (فتح: ۲۹)

محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران، سخت گیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی [که] فضل و خشنودی خدا را خواستارند. نشانه آنان بر اثر سجود در چهره هایشان [آشکار] است.

این ویژگی ایشان است، در تورات، و مَثَلِ آنها در انجیل چون کشتزاری است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا [خدا] از [انبوهی] آنان کافران را به خشم در اندازد. خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

پیام ها(۱)

۱. مسلمانان باید در برابر دشمن، قاطعیت و صلابت و در برابر دیگر مؤمنان، رأفت، مودّت، مهر و عطوفت داشته باشند، «أشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ».

۲. بی تفاوتی ممنوع، مسلمانان باید مظهر حبّ و بغض باشند.

۳. ملاک مهر و قهر، ایمان و کفر است، نه قوم و قبیله و مال و ثروت.

۴. عبادت برای یاران پیامبر سیره ای همیشگی است، نه عملی موسمی و موقتی؛ «تَرَاهُمْ رُکَّعَا سُجَّدا».

۵. دین از سیاست جدا نیست. در کنار رکوع و سجود، موضع گیری قاطع و دشمن شکن لازم است.

نکته:

در این آیه، انواع شیوه های ارتباطی مؤمن ترسیم شده است: رابطه با بیگانگان و دشمنان (اشداء)؛ رابطه با دوستان (رُحماء)؛ رابطه با خداوند (رُکَّعا سُجَّدا)؛ رابطه با خود (یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِن رَبِّهِم وَ رِضْوانا).

ویژگی های یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله(۲)

۱- [۱] . برگرفته از: تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۴۲. با گزینش

۲- [۲] . جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲۲، صص ۱۱۳ - ۱۲۵.

این آیه شریفه که آخرین آیه از آیات مربوط به صلح حدیبیه است، به بیان ویژگی های یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و وعده الهی درباره آنان می پردازد. این ویژگی ها عبارتند از:

۱. یاران پیامبر خدا در برابر کفار استوار و مقاومند (وَالَّذِینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ). آنان سدی محکم و پولادین در برابر دشمنان اسلامند.

۲. با یکدیگر مهربانند (رُحَماءُ بَیْنَهُم). آنان کانونی از مهر و محبت به برادران و دوستان و هم کیشانند.

۳. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی و همواره خدا را عبادت می کنند (تَرَاهُمْ رُکَّعا سُجَّدا). این تعبیر، عبادت و بندگی خدا را که با دو رکن اصلی اش؛ «رکوع و سجود» ترسیم شده است، به عنوان حالت همیشگی آنها بیان می کند، عبادتی که رمز تسلیم آنها در برابر فرمان حق و نفی کبر و خودخواهی از وجود ایشان است.

۳. مؤمنان، همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند (یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللّهِ وَ رِضْوانا). به راستی آیا با این انگیزه و روحیه، جایی برای اختلاف و تفرقه میان مسلمانان دیده می شود.

۵. اثر سجده بر پیشانی شان به عنوان نشانه آنها نمایان است (سیماهُمْ فی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ).

ویژگی های بیان شده، ویژگی یاران پیامبر اسلام در تورات است؛ یعنی این حقیقتی است

ص:۳۷

که پیش تر در تورات حضرت موسی علیه السلام به آن اشاره شده است. همچنین، در کتاب انجیل مقدس نیز به این ویژگی ها اشاره شده است، چنان که در این آیه آمده است: «مَثَلِ آنها در انجیل، همانند کشتزاری است که جوانه های خود را خارج ساخته و به تقویت آنها پرداخته تا محکم شده اند و بر پای خود ایستاده اند و چنان رشد کرده و پر برکت شده که کشاورزان را به شگفتی وا داشته اند.» در توصیفی که در انجیل آمده نیز، پنج ویژگی عمده برای مؤمنان و یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بیان شده است:

۱. جوانه زدن؛

۲. کمک برای پرورش و رشد؛

۳. محکم شدن؛

۴. بر پای خود ایستادن؛

۵. رشد چشم گیر و اعجاب انگیز.

آری، یاران پیامبر هرگز از پای نمی نشینند و پیوسته به پیش می روند. در عین عابد بودن، مجاهدند و در عین جهاد، عبادت می کنند. ظاهری آراسته، باطنی پیراسته، عواطفی نیرومند و نیت هایی پاک دارند. در برابر دشمنان حق، مظهر خشم خدایند و در برابر دوستان حق، نمایانگر لطف و رحمت او.

سپس خداوند در ادامه آیه می فرماید: این ویژگی های برجسته و این حرکت پویا به همان اندازه که دوستان را به شوق و نشاط می آورد، سبب خشم کفار می شود (لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّار).

آری، جامه عمل پوشانیدن به این آیه شریفه، پذیرفتن دعوت الهی، گوش سپردن به

سفارش نبوی و پیروی کردن از سیره علوی است که در حقیقت، همان تمسک به قرآن و عترت است.

پی آمد عمل به این آیه شریفه نیز موجب پیشرفت امت اسلام و فتح قله عزت و اقتدار جهانی خواهد بود و در مقابل، کوتاهی از عمل به این نسخه شفابخش وحی الهی، گرفتار شدن به درد، رنج، خواری و عقب افتادگی است.

۶. اختلاف و سقوط

وَ أَطِيعُوا اللّه َوَ رَسُولَهُ وَلاَتَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللّه َمَعَ الصَّابِرِينَ. (انفال: ۴۶)

و از خداوند و فرستاده اش پیروی کنید و جنگ نکنید؛ زیرا سست می شوید و شکوه و قدرتتان از بین می رود و صبر کنید، همانا خداوند با صابران است.

نکته:(۱)

در آیه پیش، به دو عامل «پایداری» و «یاد خدا» به عنوان عوامل پیروزی اشاره شد. در این آیه نیز عامل اطاعت و وحدت مطرح است.

«باد»، کنایه از قدرت و شوکت است. چون باد کشتی ها را به حرکت و پرچم ها را به اهتزاز در می آورد و نشانه برپایی و کام روایی و عظمت شماست، اگر در سایه اختلاف و جنگ از بین برود، خوار و حقیر می شوید.

پیام ها:

۱. قانون و رهبر، محور وحدت است.

۲. جهاد مسلمانان، باید تحت فرماندهی رهبر اسلام و به فرمان خدا، رسول [و

۱- [۱] . برگرفته از: تفسیر نور، ج ۴، ص ۳۴۹.

جانشینان بر حق او باشد].

۳. مسلمانان باید در اطاعت و وحدت، پایدار باشند و اگر چیزی برخلاف میل آنها بود، صبور باشند.

۴. اختلاف، کارآیی و عملکرد مسلمانان را سست می کند. (فَتَفْشَلُوا).

۵. جنگ و درگیری، مسلمانان را از درون ضعیف و از بیرون، بی آبرو می کند. (فَتَفْشَلُوا و تَذْهَبَ رِيحُكُمْ).

۷. اختلاف و تهدید به عذاب الهی

وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ لاتَكُونُوا كَالَّذينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ عَظيمٌ.(آل عمران: ۱۰۴و۱۰۵)

از میان شما باید گروهی باشند که [دیگران را] به خیر فرا خوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، باز هم اختلاف کردند و متفرق شدند و عذابی بزرگ برای آنان است.

نکته ها و پیام ها:

۱. شاید رمز قرار گرفتن آیه مربوط به امر به معروف و نهی از منکر در میان دو آیه ای که به اتحاد و انسجام دستور می دهد آیه (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَميعًا وَ لا تَفَرَّقُوا) و آیه (وَ لاتَكُونُوا كَالَّذينَ تَفَرَّقُوا وَ ...)، این باشد که در جامعه اسلامی متفرق و از هم پاشیده، یا قدرت امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد یا دعوت به امر به معروف و نهی از منکر اثربخش و کارساز نیست.

۲. امت اسلام، بهترین امت است؛ در صورتی که زمینه ایمان به خدای سبحان، امر به معروف و نهی از منکر و اتحاد و یک پارچگی را فراهم کند و از تفرقه و جدایی بپرهیزد.

۳. برای درک پی آمدها و گرفتاری های اختلاف و تفرقه باید از تاریخ تلخ اختلاف های پیشینیان و سرنوشت دردناک آنها درس بگیریم.

۴. همواره ریشه اختلاف، نادانی نیست، بلکه هوا و هوس، غرور و تکبر و تعصب های نابه جا نیز اختلاف انگیزند.

۵. اگر اختلاف از روی آگاهی و عمد باشد، گناهش بسیار بیشتر و عذاب آن بسیار بزرگ تر و سخت تر خواهد بود.

۶. اختلاف و تفرقه، نه تنها مسلمانان را در دنیا ضعیف می کند، بلکه در قیامت نیز آنها را گرفتار عذاب دوزخ می سازد؛ (لَهُمْ عَذابٌ عَظِیم).

۷. «امت»، به جماعتی گفته می شود که وحدت بر آنان حاکم باشد. بنابراین، به افراد و گروه های متفرق در جامعه، امت گفته نمی شود.

۸. نتیجه اختلاف، شکست، خواری و عذاب دردناک است. به راستی، چه عذابی دردناک تر از این است که وطن انسان، جولانگاه بیگانگان و قلمرو حکومت استعمارگران قرار گیرد.

۸. دوستی اهل ایمان

وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ یُطیعُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِکَ سَیَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ

ص:۴۱

عَزیزٌ حَکیمٌ. (توبه: ۷۱)

و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند، آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

نکته ها(۱)

۱. پیوند مؤمنان با یکدیگر پیوندی عمیق و ماندگار و بر اساس دوستی و ولایت است. (بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ) برخلاف منافقان که وحدتشان ظاهری و صوری است. (تَحْسَبُهُمْ جَمیعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتّی)(۲)

۲. مؤمنین در سایه محبت و ولایت به یکدیگر، خیرخواه هم بوده و همدیگر را به نیکی ها دعوت می کنند و از زشتی ها و منکرات باز می دارند. یعنی به دلیل پیوند عمیق و محبت راستینی که بین مؤمنان است نسبت به سرنوشت یکدیگر و سعادت جامعه احساس مسئولیت می کنند.

۳. مؤمنان در صورتی که صفات یاد شده در آیه شریفه را (دوستی با یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر، برپا داشتن نماز، پرداخت زکات و اطاعت خدا و رسول) در خود محقق کنند مشمول رحمت خاص الهی قرار می گیرند. به طور خلاصه اعمال و صفات انسان، زمینه ساز رحمت الهی است. (أُولئِکَ

ص:۴۲

۱- [۱] . با استفاده از: تفسیر نور، ج ۵، صص ۹۲ و ۹۳.

۲- [۲] . حشر: ۱۴؛ آنان را متحد می پنداری در حالی که دل هایشان پراکنده است.

سَيَرْحَمُهُمُ اللّهُ)

۴. ملاک دوستی و ولایت، ایمان است نه قوم و قبیله و نژاد. (وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ)

۵. پرداخت زکات نیز به خاطر همان پیوند دوستی و احساس مسئولیت نسبت به سایر مؤمنان انجام می گیرد.

۹. دوری از شیطان

یا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ كَافَّةً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْكُمُ الْبَيِّناتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ عَزيزٌ حَكيمٌ. (بقره:۲۰۸و ۲۰۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی درآیید [و تسلیم مطلق خداوند شوید] و گام های شیطان را دنبال مکنید که او برای شما دشمن آشکار است و اگر پس از آنکه برای شما دلایل آشکار آمد، دستخوش لغزش شُدید، بدانید که خداوند توانای حکیم است.

پیام ها و نکته ها(۱)

۱. از مفهوم آیه استفاده می شود که صلح و آرامش، تنها در پرتو ایمان امکان پذیر است و تنها با تکیه بر قوانین مادی، هرگز جنگ و ناامنی و اضطراب از دنیا برچیده نخواهد شد.

۲. اصولاً در مقابل عوامل پراکندگی مانند نژاد و زبان، یک حلقه محکم اتصال در میان قلوب بشر لازم است. این حلقه اتصال تنها

۱- [۱] . برگرفته از: تفسیر نور، ج۱، صص ۴۱۹ و ۴۲۰.

ایمان به خداست. یعنی ایمان به خدا و تسلیم در برابر فرمان او، نقطه وحدت جامعه انسانی و رمز ارتباط اقوام و ملت ها است.

۳. همه سلیقه ها را کنار گذاشته و تنها تسلیم قانون خدا باشیم.

۴. ورود همگانی در فضای صلح و سلام و تسلیم امکان ندارد مگر در سایه ایمان.

۵. هر کس تسلیم خدا نباشد پیرو گام های شیطان است و هر یک از عوامل بازدارنده از پذیرش اوامر الهی و تسلیم در برابر حق، گامی از گام های شیطان است.

۶. شیطان دشمن صلح و آرامش و وحدت شما است و همه نداهای تفرقه انگیز یا بدعت گذاری هایی که در دین می شود بلندگوی شیطانی هستند.

۷. کسانی که در راه سلم قرار نمی گیرند آگاهانه مرتکب خلاف می شوند و حجت بر آنان تمام است. (بَعْدِ ما جاءَتْکُم)

۸. مخالفان بدانند که گرفتار قهر حکیمانه خدا خواهند شد.

فصل دوم: اتحاد در آموزه های روایی

اشاره

احادیث و روایات، نکته های نغز و آموزنده ای در بردارد که می تواند در جای خود زوایای پیدا و پنهان دست یابی به اتحاد را در بعد ملی و اسلامی به تصویر بکشد. از این رو، در این فصل تلاش می شود

ص:۴۴

از این گنجینه های پربها، ره توشه ای فراهم آورده و تحفه همگان نماییم.

۱. مایه رحمت

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

اَلْجَماعَهُ رَحمَهٌ وَ الفُرْقَهُ عَذابٌ.(۱)

وحدت، مایه رحمت و تفرقه، موجب عذاب است.

نکته ها

۱. رحمت و عـذابی که در این روایت به آن اشاره شده، مطلق است. در نتیجه، هم رحمت و عذاب دنیا و هم رحمت و عذاب آخرت را در بر می گیرد. آرامش، آسایش، امنیت، در امان ماندن از مکر و گزند دشـمنان، رشد اقتصادی و فرهنگی، رسیدن به عزت و بالنـدگی، نزول برکات الهی و... از رحمت های دنیوی است و رحمت های آخرت عبارتنـد از: رضوان و خشـنودی الهی، هم نشینی با اولیای الهی و بهره مند شدن از نعمت بهشت رضوان.

درگیری ها و کشتارها، سلب آسایش و امنیت، طمع و نفوذ و چیره شدن دشمن، از دست دادن عزت، عقب ماندگی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... نیز، نمونه هایی از عذاب دنیوی است.

۲. اتحاد و با هم بودن نه تنها مایه رحمت است، بلکه عین رحمت است و تفرقه و جدایی عین عذاب است.

۲. ضرورت اتحاد

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

اَیُّها النّاسُ! عَلَیکُمْ بِالْجَماعَهِ وَ اِیّاکُم وَ الفُرْقَهَ.(۲)

ای مردم! بر شما باد به جماعت و پرهیز

۱- [۱] . متقی هندی، کنزالعمال، ح ۲۰۲۴۲.

۲- [۲] . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ح ۲۴۳۴.

از تفرقه و جدایی.

نکته ها

۱. اتحاد و انسجام و دوری از تفرقه و جدایی، پاسخ گفتن به دعوت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تفرقه افکنی، رد دعوت آن حضرت است.

۲. اتحاد و انسجام امت اسلامی، مایه خرسندی پیام آور وحدت، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

۳. نوع تعبیر حضرت مبنی بر حفظ وحدت اسلامی، نشان دهنده ضرورت این امر و تأکید فراوان بر آن است.

۳. نصرت الهی

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در کلامی زیبا فرموده است:

یَدُاللّه ِ مَعَ الجَماعَهِ.(۱)

دست (قدرت و یاری) خداوند، همراه جماعت است.

نکته ها

۱. نصرت و تأیید الهی شامل حال کسانی است که با هم متحد و منسجم باشند و از تفرقه بپرهیزند.

۲. با تأیید و نصرت الهی، جامعه اسلامی از هر گزند و آسیبی در امان خواهد ماند.

۴. یدِ واحده

از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

اَلمُؤمِنونَ إِخْوَهٌ، تَتَکافی دِماؤُهُم وَ هُم یَدٌ عَلی مَن سِواهُم... .(۲)

مؤمنان برادر یکدیگرند، خونشان یکسان و در برابر دشمن قدرت واحدند.

نکته ها

۱- [۱] . کنزالعمال، ح ۲۰۲۴۱.

۲- [۲] . مفید، امالی، ص ۱۸.

۱. رابطه مؤمنان با یکدیگر، رابطه برادری و بالاتر از رابطه هم شهری و هم وطنی است.

۲. برادران ایمانی در برابر بیگانگان قدرتی واحدند.

۵. راه سعادت

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

لاتَزالُ اُمَّتی بِخَیرٍ ما تَحابُّوا وَ اَدُّوا الْأَمانَهَ واجتَنَبوا الْحَرامَ وَ قَرُوا الضَّیفَ وَ اَقاموا الصَّلوهَ و آتَوُا الزَّکوه.(۱)

امت من تـا زمـانی که یکـدیگر را دوست بدارنـد، امـانت را (به صاحبش) بازگرداننـد، از حرام دوری کننـد، مهمان را گرامی دارند، نماز بگزارند و زکات بپردازند، در خیر و خوبی خواهند بود.

نکته ها و پیام ها

۱. خیر و سعادت ماندگار امت اسلام، در گروِ دوستی با یکدیگر است.

۲. دوستی به تنهـایی کافی نیست، بلکه مسـلمانان بایـد اهل تقوا و پای بنـد به رعایت حقوق مردم، عمل به واجبات و دوری از محرّمات باشند.

۳. عمل به واجبات و دوری از محرّمات بدون روابط دوستانه میان مسلمانان، خیری برای آنها در بر نخواهد داشت.

۶. برادران صمیمی

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

اِتَّقُوا اللّه ِوَ کونُوا إخْوَهً مُتَحابِّینَ فِی اللّه ِ مُتَواصِلینَ مُتَراحِمینَ تَزاوَرُوا و تُلاقوا و تَذاکَرُوا و أَحْیُوا أَمْرَنا.(۲)

ص:۴۷

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۹۴.

۲- [۲] . همان، ج ۷۱، ص ۳۵۲.

همـاره خـدا را در نظر داشـته باشـید. برای [رضای] خـدا همـدیگر را دوست بداریـد و پیونـد برادری داشـته باشـید. به ملاقات یکدیگر بروید و همدیگر را یاد کنید و با این پیوندها مکتب ما را زنده بدارید.

نکته ها

۱. دوستی ها باید تنها برای رضای خدای سبحان باشد.

۲. با رعایت تقوای الهی، دشـمنی ها رخت بر می بنـدد و دوستی ها محکم می گردد. پس راه اصـلاح، میان مسـلمانان رعایت تقوای الهی است.

۳. رابطه برادری میان مسلمانان باید با محبت، دیدار و خیرخواهی، پایدار و مستحکم شود.

۴. اتحاد و برادری میان مؤمنان، مایه زنده ماندن مکتب اسلام و معصومین علیهم السلام است.

۷. اختلاف ظاهری و باطنی

ـــپیامبر اعظم ــصلی الله علیه و آله:

لاتَخْتَلِفوا فَتَخـتَلِفَ قُلوبُکُم.(۱)

با یکدیگر ناسازگاری نکنید که دل هایتان ناسازگار و پراکنده می شود.

پیام ها

۱. اختلـاف و تفرقـه از امـور جزئی و ظـاهری شـروع می شـود و به اختلـاف هـای ریشه ای و درونی می انجامـد. پس بایـد از اختلاف و ناسازگاری حتی در امور جزئی نیز جلوگیری کرد.

۲. هرگاه اختلافی پیش آمد، باید به سرعت آن را برطرف ساخت تا گسترده و ریشه دار نشود.

۳. در مسائل اجتماعی نیز مانند تمام امور، همواره پیش گیری بهتر از درمان است.

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۳، ح ۴۸۳۵.

۴. اگر انسان ها با یکدیگر همدل و متحد باشند، اختلاف ها به راحتی رفع می شود.

۸. سرانجام اختلاف

ــپیامبر اکرم ــصلی الله علیه و آله:

لاتَخْتَلِفُوا فَإِنَّ مَن کانَ قَبلَکُم إختَلَفُوا فَهَلَکُوا.(۱)

با هم اختلاف نکنید که پیشینیان شما دچار اختلاف شدند و نابود گشتند.

پیام ها

۱. اختلاف، عامل هلاکت و نابودی حتمی جامعه اسلامی است.

۲. با مطالعه تاریخ پیشینیان و عبرت آموزی از آن، می توان پی آمدهای اختلاف و تفرقه را شناخت و از آن پرهیز کرد.

۳. آزموده را آزمودن خطاست.

۹. اختلاف و پیروزی باطل

ــپیامبر اکرم ــصلی الله علیه و آله

مَااخْتَلَفَتْ اُمَّةٌ بَعدَ نَبِیِّها اِلاّ ظَهَرَ اَهلُ باطِلِها عَلی اَهلِ حَقِّها.(۲)

هیچ امتی پس از پیامبر خود گرفتار اختلاف نشد مگر آنکه باطل گرایان آن بر حق خواهانش پیروز گشتند.

نکته ها

۱. اختلاف، همیشه عامل شکست و دور شدن از هدف پیامبران است.

۲. اختلاف، مایه سلطه باطل گرایان بر حق خواهان می شود.

۳. در صورت اختلاف، حق گرایان بیش از باطل گرایان آسیب می بینند.

۱- [۱] . همان، ح ۴۸۳۴.

۲- [۲] . همان، ح ۴۸۳۰.

۴. دامن نزدن به اختلاف، زمینه رشد و موفقیت حق گرایان را فراهم می کند و راه نفوذ باطل را می بندد.

۱۰. سکوت جاهل

_امام علی _علیه السلام:

لَوْسَکَتَ الْجاهِلُ مَا اخْتَلَفَ الناسُ.(۱)

اگر نادان خاموش می شد، مردم دچار اختلاف نمی شدند.

نکته ها

۱. نادانی و ناآگاهی از عوامل اساسی اختلاف میان مردم است.

۲. بدون آگاهی و دانش کافی نباید به اظهارنظر درباره مسائل مهم فردی و اجتماعی پرداخت.

۳. افزایش آگاهی از یکدیگر و از حقایق، می تواند از بروز بسیاری از سوءتفاهم ها و اختلاف ها جلوگیری کند.

۴. در صورت ناآگاهی نسبت به موضوعی، با سکوت خود می توان از بروز اختلاف جلوگیری کرد.

۵. بسیاری از اختلاف ها حقیقی نیستند و در نادانی ها ریشه دارند. در نتیجه، بسیاری از اتهام ها نیز تنها سوءتفاهم و برداشت هایی نادرستند.

۱۱. ریشه اختلاف

_امام علی _علیه السلام:

إنَّما اَنْتُم اِخْوانٌ عَلی دینِ اللّهِ، ما فَرَّقَ بَیْنَکُم اِلاّ خُبْثُ السَّرائِرِ و سُوءُ الضَمائِرِ فَلا تَوازَرونَ (تأزرون) وَ لاتَناصَحُونَ وَ لاتَباذَلونَ ولاتَوادُّونَ.(۲)

شما برادر دینی یکدیگرید و آنچه میان

۱- [۱] . همان، ح ۴۸۵۳.

۲- [۲] . نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

شما جـدایی انـداخته، درون پلیـد و نهاد بـد است. به این سـبب، بار یکدیگر را برنمی دارید و خیر هم را نمی خواهید و با هم دوستی نمی کنید.

پیام ها

۱. رابطه مؤمنان، رابطه برادری است که بالاتر از دوستی است و نباید مؤمنان به کمتر از رابطه برادری رضایت دهند.

۲. رابطه برادری مؤمنان، در پرتو قرار گرفتن در حلقه دین خدا حاصل می شود.

۳. از عوامل اساسی تفرقه، کینه ها و پلیدی های درونی است.

۴. اختلاف، پی آمـدهای منفی فراوانی دارد که برخی از آنها عبارتند از: یاری نکردن همدیگر، خیر نرساندن به یکدیگر و در نتیجه، فراهم شدن زمینه سلطه دشمنان بر جامعه اسلامی.

۱۲. مؤمنان، پیکر واحد

ـامام صادق ـعلیه السلام:

اَلْمُؤمِنُ أَخُو الْمُؤمِنِ کَالجَسَدِ الواحِدِ اِنِ اشْتَکی شَیئا مِنهُ وَجَدَ اَلَمَ ذلِکَ فی سائِرِ جَسَدِهِ و اَرواحُهُما مِن رُوحٍ واحدَهٍ.(۱)

مـؤمن، برادر مـؤمن است، همچون یـک پیکر که هرگـاه عضوی از آن به درد آیـد، دیگر انـدام هـا آن درد را حس می کنند (احساس هم دردی می کنند)؛ ارواح آنها از یک روح است.

پیام ها

۱. پیوند مؤمنان با یکدیگر، پیوند برادری است.

۲. این پیوند برادری چنان مستحکم است که مؤمنان، به یک پیکر تشبیه شده اند.

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۱، ح ۱۴۹.

۳. مؤمنان نسبت به مشکلات یکدیگر بی توجه نیستند، بلکه مشکل و درد آنان را درد خود می دانند.

۴. همان گونه که بیماری با ورود به هر عضوی، تمام بدن را تهدید می کند، دشـمن مؤمنی نیز دشمن دیگر مؤمنان شمرده می شود. پس همه مؤمنان دشمن مشترکی دارند.

۱۳. عبرت از پیشینیان

امام علی علیه السلام می فرماید:

وَ احْذَرُوا ما نَزَلَ بِالْأُمَمِ قَبْلَکُمْ مِنَ الْمَثُلَاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَ ذَمِیمِ الأَعْمَالِ. فَتَذَکَّرُوا فِی الْخَیْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ. وَ احْذَرُوا أَنْ تَکُونُوا أَمْثَالَهُمْ. فَإِذَا تَفَکَّرْتُمْ فِی تَفَاوُتِ حَالَیْهِمْ فَأَلْزَمُوا کُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّهُ بِهِ شَأْنَهُمْ، وَ زَاحَتِ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ، وَ مُدَّتِ العَافِیَهُ بِهِ عَلَیْهِمْ، وَ انْقَادَ النِّعْمَهُ لَهُ مَعَهُمْ، وَ وَصَلَتِ الْکَرَامَهُ عَلَیْهِ حَبْلَهُمْ مِنَ الاِجْتِنَابِ لِلْفُرْقَهِ، وَ اللُّزُومِ لِلْأُلْفَهِ، وَ التَّحَاضِّ عَلَیْهَا وَ التَّوَاصِی بِهَا، وَ اجْتَنِبُوا کُلَّ أَمْرٍ کَسَرَ فِقْرَتَهُمْ، وَ أَوْهَنَ مُنَّتَهُمْ مِنْ تَضَاغُنِ الْقُلُوبِ، وَ تَشَاحُنِ الصُّدُورِ، وَ تَدَابُرِ النُّفُوسِ، وَ تَخَاذُلِ الْاَیْدِی.(۱)

از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت های پیش از شما آمد، بپرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید و از اینکه چون آنان باشید، دوری کنید.

اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید، همان کاری را عهده دار شوید که عزیزشان گرداند و دشمنانشان را از آنان دور ساخت و تندرست نگاهشان داشت و نعمت و فراوانی به سراغشان آمد و نیکوکاری و بزرگواری موجب پیوند آنان گردید و آن، از تفرقه و پراکندگی دوری جستن و به یکدیگر مهربانی

۱- [۱] . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

کردن و همـدیگر را به این کار تشویق کردن است و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد، دوری کنید؛ کارهایی چون کینه ورزی دل ها و دشمنی سینه ها و پشت کردن جان ها به یکدیگر و دست شستن از یاری هم.

نکته ها

عوامل اتحاد و پیوند

بزرگواری و احترام به یکدیگر

احسان و نیکوکاری به همدیگر

مهرورزی و محبت به دیگران

تشویق یکدیگر به مهرورزی و احسان

پی آمدهای اتحاد و پیوند

عزّت و عظمت پیدا کردن در چشم دشمنان (اقتدار)

ترس دشمنان از مسلمانان

زندگی در سلامت و آرامش

برخورداری از نعمت فراوان

عوامل اختلاف و تفرقه

پرداختن به کینه ها و دشمنی های قلبی

ابراز دشمنی و تظاهر به آن

اری نرساندن به یکدیگر هنگام نیاز

پی آمدهای اختلاف و تفرقه

از بین رفتن اقتدار و عزت

باز ماندن از اهداف والای اسلام

پیام ها

دوستی و مهربانی مؤمنان با یکدیگر و پرهیز از تفرقه، آنان را عزت و شکوه می بخشد.

ص:۵۳

اتحاد و یک پارچگی، مسلمانان را از فتنه دشمنان در امان نگه می دارد و آنان را از تفرقه و شکست دور می سازد.

دوری از پراکندگی و اختلاف و محبت و اتحاد مؤمنان با یکدیگر، مایه نزول رحمت الهی و فراوانی نعمت و روزی می شود.

اختلاف و دشمنی مسلمانان با یکدیگر سبب از بین رفتن قدرت و عزت مسلمانان می گردد.

دشمنی و کینه ورزی، پایه و اساس جامعه اسلامی را متزلزل و آن را ویران می سازد.

اگر دشمنی و کینه به دل ها راه پیدا کند، قدرت و عزت مسلمانان به خطر می افتد.

بررسی تاریخ پیشینیان و تدبر در احوال آنان، بهترین راه برای درک پی آمدهای مثبت اتحاد و هم دلی و آثار منفی اختلاف و پراکندگی است.

برای دست یابی به اتحاد و انسجام و حفظ آن باید به فرهنگ سازی در این راستا اقدام کرد.

مهرورزی و محبّت به یکدیگر، عاملی اساسی در نیل به وحدت و هم دلی است.

یکی از عملکردهای اساسی در حفظ اتحاد ملی و رسیدن به انسجام اسلامی، رفع نیازها و رسیدگی به یکدیگر بر اساس تعاملات انسانی _ اسلامی است.

کرامت و بزرگواری؛ یعنی نادیده گرفتن لغزش ها و اشتباه های یکدیگر و حفظ اتحاد و انسجام.

دوری از یکدیگر و گسستن پیوندها، به تقویت احساس و افکار منفی دشمنی با یکدیگر می انجامد. بهترین راه کار برای رفع اختلاف و نیل به اتحاد، ارتباط مداوم و تنگاتنگ و مهربانی با یکدیگر است.

ص:۵۴

جامعه متشنّج و متفرق، از نعمت آرامش و رفاه بی بهره است و همواره در معرض تهدید خارجی یا نابودی درونی است.

۱۴. وقار اسلامی و پرهیز از اختلاف

امام علی علیه السلام می فرماید:

لِیَزْدَعْكُمُ الإسلامُ وَ وَقارُهُ عَنِ التَّباغِی والتَّهاذِی وَ لِتَجْتَمِعْ كَلِمَتُكُمْ.(۱)

اسلام و متانت آن باید شما را از ستمگری و یاوه گویی نسبت به یکدیگر باز دارد و یک سخن و متحد شوید.

پیام ها و نکته ها

اسلام، محور اتحاد و انسجام است.

وقار و اقتدار اسلام در گرو اتحاد مسلمانان است و اختلاف و تفرقه موجب سستی و ضعف آن خواهد شد.

اسلام حقیقی انسان را به وقار و کرامت می رساند و او را از کارهای پستی مانند ستمگری و یاوه گویی باز می دارد.

اختلاف، موجب ستم به یکدیگر و بدگویی از هم می شود.

اتحاد، وقارآفرین و قدرت بخش است و اختلاف، خواری و شکست در پی دارد، چنان که خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید: «از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نجنگید که سست می شوید و شکوه شما از بین می رود». (انفال:۴۶)

۱۵. استحکام کارها

امام حسن علیه السلام در کلامی زیبا فرمود:

اِنَّه لَمْ یَجْتَمِعْ قومٌ قطُّ عَلی اَمرٍ واحدٍ اِلاّ اشْتَدَّ اَمرُهُمْ و اسْتَحکَمَتْ عُقْدَتُهُم... .(۲)

هرگز گروهی در کاری یک دست و متحد نشدند

ص:۵۵

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۳، ح ۴۸۲۷.

۲- [۲] . همان، ح ۴۸۲۵.

مگر آنکه کارشان استحکام یافت و پیوندشان استوار گشت.

پیام ها و نکته ها

اتحاد، عامل ارتباط و ارتباط، موجب استحکام پیوندهاست. تفرقه، موجب جدایی و جدایی، زمینه ساز سستی پیوندها و بروز دشمنی است.

اتحاد، جبران کردن ضعف یکدیگر و اختلاف، نابود کردن استعدادها و نقاط قوت یکدیگر است.

همان گونه که اتحاد، مایه تقویت و تولید دست آوردهای بزرگ و سودمند می شود، اختلاف به تضعیف و از بین رفتن دست آوردهای سازنده و مفید می انجامد.

اتحاد در هر امری، سبب کم رنگ شدن اختلاف در دیگر امور نیز می شود.

با اتحاد، بر قدرت خود می افزاییم و با اختلاف، قدرت و توانایی های خویش را خنثا و بی اثر می کنیم.

اتحاد، تقویت امت اسلامی در برابر دشمن و اختلاف، احساس ضعف در برابر آنان است.

اختلاف، سرگرم شدن به خود و باز ماندن از دشمن است.

اتحاد، مایه پیشرفت است و اختلاف، موجب عقب ماندگی.

۱۶. تعصب نابه جا و خروج از حلقه ایمان

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ تَعَصَّبَ أَو تُعُصِّبَ لَهُ فَقَد خَلَعَ رِبقَ الإیمانِ مِن عُنُقِهِ.(۱)

کسی که تعصب بورزد یا نسبت به وی تعصب بورزند، حلقه ایمان را از گردن خویش

۱- [۱] . کافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

باز کرده است.

پیام ها و نکته ها

تعصّب، پافشاری بی دلیل بر امری غیرمنطقی است که منشأ آن نادانی و احساسات پوچ است.

انسان متعصب، در پی برآوردن خواسته های خویش است و انسان باایمان، در پی جلب رضایت خدا.

مؤمن، مردم را به سوی خدا دعوت می کند و متعصب آنها را به جانب داری از خود فرا می خواند.

ایمان با تعصب کورکورانه جمع نمی شود؛ زیرا ایمان، نتیجه آگاهی است و تعصب، حاصل نادانی؛ ایمان، محصول خداخواهی است و تعصب، نمود خودخواهی.

ایمان، آزادی از بند خود و تعصب، گرفتاری در هوس های خویش است. ایمان، مایه عزت و سربلندی و تعصب، مایه خواری و حقارت است. ایمان، عشق به خدا و تعصب، دشمنی با اوست. ایمان، عامل وحدت و تعصب، منشأ اختلاف و تفرقه است.

تعصب، آغاز تفرقه و پایان اتحاد و همدلی است.

نه خود تعصب بورزیم و نه اجازه دهیم دیگران به ما تعصب بورزند؛ زیرا هر دو برخلاف ایمان است.

تعصب، زمینه ساز تنهایی، کینه جویی و دشمنی است.

انسان متعصب، از حقیقت ایمان بی بهره است.

۱۷. بت پرستی و تفرقه

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در کلامی گهربار فرمود:

ما نُهِیتُ عَنْ شَی ءٍ بعدَ عِبادَهِ الْاَوْثانِ ما

ص:۵۷

نُهِيتُ عَن مُلاحاهِ الرِّجالِ.(۱)

من پس از نهی شدن از بت پرستی، از چیزی به اندازه کشمکش کردن با مردم نهی نشدم.

نکته ها و پیام ها

کشمکش و مجادله، از گناهان بزرگ و در ردیف بت پرستی است؛ زیرا

۱. کشمکش می تواند مایه نابودی جامعه اسلامی شود.

۲. با وجود اختلاف و مجادله، زمینه نفوذ شرک و بت پرستی فراهم می شود.

۳. در صورت تفرقه و کشمکش، پایه های توحید و بندگی خدا و در نتیجه اتحاد و انسجام اسلامی سست و ضعیف می گردد.

۱۸. بالاترین اعمال

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ الْاعْمالِ بَعدَ الْإِيمانِ بِاللّهِ التَّوَدُّدُ اِلیَ النّاسِ.(۲)

بهترین کارها پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم است.

۱۹. همیشه با جماعت

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: اثْنانٌ خَيْرٌ مِنْ واحِدٍ وَ ثَلاثَهٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَ أَرْبَعَهٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلاثَهٍ فَعَلَيْكُم بِالْجَماعَهِ.(۳)

دو تن از یکی بهتر است و سه تن از دو تن بهتر و چهار تن از سه تن نیکوتر؛ پس همیشه با جماعت باشید.

۲۰. مرگ جاهلی

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: مَنْ فارَقَ الْجَماعهَ ماتَ ميتهً

۱- [۱] . تحف العقول، ص ۴۲.

۲- [۲] . نهج الفصاحه، ح ۳۸۷.

۳- [۳] . همان، ح ۵۶.

جاهليهً.(۱)

کسی که از جماعت و جمع افتراق جوید، در زمان مرگ به رسم جاهلیت می میرد.

۲۱. رحمت الهی و اتحاد

امام علی علیه السلام: فَاِنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ قَدْ امْتَنَّ عَلی جَماعهِ هذِهِ الْأُمَّهِ.(۲)

خداوند سبحان بر این امت منّت نهاده و پیوند الفت و اعتماد در میان آنها ایجاد نموده است.

۲۲. عاجزترین مردم

امام علی علیه السلام: اَعْجَزُ النّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنْ اکْتِسابِ الْاِخْوان... .(۳)

ناتوان ترین مردم، آنانند که از جلب [قلوب] برادران خود ناتوان باشند.

۲۳. امام علی علیه السلام اسوه اتحاد

امام علی علیه السلام: وَ لیس رَجُلٌ اَحرَصَ علی جَماعَهِ اُمَّهِ مُحمد صلی الله علیه و آله و اُلْفَتِها مِنّی... .(۴)

و کسی حریص تر از من بر اتحاد و وفاق امت محمد صلی الله علیه و آله و پیوند بین آنان نیست.

۲۴. دل های پراکنده و فراوانی تعداد

امام علی علیه السلام: اِنَّه لا غِناءَ فِی کَثرَهِ عَدَدِکُمْ مَعَ قِلَّهِ اجْتماعِ قُلوبِکُمْ.(۵)

مادامی که دل های شما پراکنده است فراوانی تعداد شما سودی ندارد.

۲۵. خصلت مؤمن

امام علی علیه السلام: اَلْمُؤْمِنُ آلِفٌ مَأْلوُفٌ مُتَعَطِّفٌ.(۶)

۱- [۱] . همان، ح ۲۸۵۵.

۲- [۲] . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳- [۳] . همان، کلمات قصار، ش ۱۲.

۴- [۴] . همان، نامه ۷۸.

۵- [۵] . همان، خطبه ۱۱۹.

۶- [۶] . تمیمی آمدی، غررالحکم و درالکلم، ج ۱، ص ۳۷۵.

مؤمن الفت گیرنده با مردم و مألوف مردم و مهربانی کننده با آنهاست.

ص:۶۰

فصل سوم: سیره و حکایات تاریخی

اشاره

سیره و رفتار عملی پیشوایان معصوم علیهم السلام و رخدادهای تاریخی نیز در جای خود حاوی نکات آموزنده ای درباره اتحاد و انسجام می باشد. ازاین رو نگاهی کوتاه به سیره رفتاری رسول رحمت و ارائه حکایات تاریخی، می تواند افزون بر حلاوت و شیرینی آن، راه کارهای عملی تحقق وحدت اسلامی را ارائه نماید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و هم بستگی مسلمانان(۱)

برانگیخته شدن رسول صلی الله علیه و آله از جانب پروردگار به پیمبری، رحمتی از سوی حق تعالی به بندگان بود «و ما أرسلناکَ إلاّ رَحمةً للعالمین».(۲) رحمتی که آنان را از نادانی برهاند و از پراکندگی و دشمنی با یکدیگر برحذر دارد. در سراسر دوران رسالت او این رحمت به صورت های گونه گون تجلی کرد. تا در مکه بود که مالداران را به بخشش بر تهی دستان توصیه می فرمود، و مستکبران را به شفقت به مستضعفان و پدران را به رحمت بر فرزندان. چون به مدینه هجرت کرد و اسلام گسترش یافت و مسلمانان در برابر دیگران امتی گشتند، رحمت او بیشتر صرف بازداشتن آنان از پراکندگی و به جان هم

۱- [۱] . برگرفته از: مقاله دکتر سید جعفر شهیدی در کتاب حماسه اتحاد، صص ۶۱ _ ۶۴.

۲- [۲] . انبیاء: ۱۰۷.

افتادن و از یکدیگر بریدن یا هم را به زشتی نام بردن بود.

آن روز که آن شش تن وی را کنار کعبه _ یا چنان که طبری در روایت خود نوشته(۱) _ در نزدیکی عقبه دیدند و سخنان او را شنیدند، گفتند امید است خدا تو را وسیلتی سازد تا مردم ما را با هم آشتی دهی.(۲)

شر و دشمنی که آن چند تن بدان اشاره کردند، پی آمد جنگی دراز بود. جنگی که میان اوس و خزرج درگرفت و در کتاب های تاریخ نام آن آمده است و آخرین آن جنگ ها _بعاث _نام دارد.

در این جنگ ها که به درازا کشید، بسیاری از مردم دو قبیله کشته شده و هر دو دسته از جنگ به ستوه آمده بودند و می خواستند میانشان آشتی برقرار شود. سنّت رایج قبیله ای چنان بود که برای آشتی کردن باید خون بهای کشتگان به قبیله آنان پرداخت شود. تعیین مبلغ خون بها و داوری را باید یکی از بزرگان عهده دار شود. این بزرگ باید خود در جنگ درگیر نباشد. چنین کسی در یثرب یافت نمی شد و در پی آن بودند که _عبدالله _پسر _ابی بن ابی سلول _را به داوری برگزینند.

چون خدا خواست دین خود را نیرومند سازد، شش تن از مردم یثرب در موسم، پیغمبر را دیدند. رسول به آنان فرمود:

_ از کدام مردمید؟

۱- [۱] . طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۳، ص ۱۲۰۹.
۲- [۲] . همان، ص ۱۲۱۰.

ـ از خزرج.

ـ از دوستان یهود؟

ـ آری.

ـ نمی نشینید تا با شما سخنی بگویم؟

ـ چرا.

سخن گفتن پیغمبر همان و درمان دردهای آنان پیدا شدن، همان. گفتند ما مردم خود را در حالی واگذاردیم که دشمنی و شرّ میان هیچ مردمی بدان اندازه نیست. شاید تو سبب شوی با یکدیگر آشتی کنیم.(۱)

چنان که می دانیم این دسته کوچک به یثرب بازگشت و مردم شهر از ظهور پیغمبری در مکه آگاه شدند. رفت وآمد به سال دیگر کشید و سال دیگر سرانجام رسول صلی الله علیه و آله از مکه به آن شهر هجرت کرد.

هجرت کرد تا میان دو دسته درگیر، سازگاری پدید آرد و یکی دیگر از نشانه های رحمت او آشکار گردد. نه تنها اوس و خزرج با هم برادر شوند بلکه مردم را در سراسر زمان از نعمت آشتی و صفا برخوردار سازد.

نخستین اقدام او در یثرب که بعدها مدینه الرسول و مدینه نام گرفت، پدید آوردن امت واحد بود و آخرین اقدام او نیز چنان که خواهم نوشت، پدید آوردن وحدت عربستان به صورت امتی یگانه و مسلمان و حرام ساختن خون آنان بر یکدیگر.

رسول از مکه به قبا و از قبا به مدینه رفت و زمانی دیر نگذشت که پیمان مدینه نوشته شد.

۱- [۱] . همان.

پیمـان مـدینه که نوعی قـانون اساسـی به شـمار می رود، وحـدت میـان دو قبیله درگیر (اوس و خزرج)، همچنین حفـظ حقوق مهاجران و یهود را متضمن است.

در این پیمـان نامه علاوه بر ایجاد دوستی میان کینه توزان و تعیین حقوق هر یک از قبیله ها و نحوه پرداخت خون بها و فـدیه، مسلمانان برابر دیگر مردمان، امتی واحد خوانده شده اند.

با نوشـته شـدن این پیمان نامه و پـذیرفته شـدن آن، جنگ میان مردم مـدینه به پایان رسـید، اما باید، وحدتی دیگر تحقق یابد؛ وحدتی که به هم چشمی و کینه توزی دو تیره از عرب پایان دهد.

جلوگیری از تفرقه

روزی اوسـیان و خزرجیان در نقطه ای گرد آمده بودند. وحدت و یگانگی این دو گروه که دیروز دشمن خون آشام یکدیگر بودنـد، یکی از یهودیـان را سـخت متـأثر کرد. فورا به یک جوان یهودی که در آن میان بود اشاره کرد و خاطرات تلـخ جنگ های گذشـته را که میان دو قبیله وجود داشت، به یاد آنان بیاورد. آن جوان سرگذشت جنگ «بعاث» را که سرانجام اوسیان بر خزرجیان پیروز شدنـد مطرح کرد و آن خاطرات تلخ را آن چنان تشـریح کرد که نزاع و تفاخر میان دو دسـته مسـلمان اوس و خزرج آغاز گردید. نزدیک بود که آتش جنگ میان آنان شـعله ور شود که خبر به پیامبر رسـید و از نقشه شوم مخالفان آگاه شدند. فورا با گروهی از یاران خود پیش آنها آمد و هدف اسـلام و برنامه عالی خود را متذکر شد و فرمود: «اسـلام شـما را با یکدیگر

ص:۶۴

برادر نمود. باید کینه ها و خشم ها را به دست فراموشی بسپارید... .» آن گاه به اندازه ای پند و اندرز داد و آنها را به اختلاف آگاهشان ساخت که یک مرتبه ناله و صدای آنها به گریه بلند شد و برای تحکیم مبانی برادری، همدیگر را در آغوش گرفتند و از درگاه خدا طلب آمرزش نمودند.(۱)

جلوگیری از اختلاف با مشارکت همگانی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از اختلاف با مشارکت همگانی همت می گماشت. چنان که به هنگام نوسازی کعبه وقتی بین قبایل برای نصب حجرالاسود اختلاف پیش آمد، چنین کرد؛ زیرا هر گروه می خواست افتخار نصب سنگ مقدس را نصیب خود سازد. حتی با هم پیمان خون بستند که این کار را انجام دهند و هرکس دیگر بخواهد اقدام به نصب حجرالاسود کند تا پای جان با او بجنگد، ولی حضرت رسول صلی الله علیه و آله دستور داد که پارچه ای بیاورند و سنگ را میان آن نهاد. آن گاه از هر یک از نمایندگان قبایل خواست که گوشه پارچه را گرفته و سنگ را بلند کنند. آنان این کار را کردند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آلهسنگ را برداشت و در جای مخصوصش قرار داد.

به این ترتیب همه قبایل و گروه ها توانستند در نصب حجرالاسود شرکت کنند. در نتیجه، زمینه هر گونه اختلاف و نزاعی از بین رفت.(۲)

۱- [۱] . تاریخ اسلام سبحانی؛ به نقل از: سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۵۵۵ و ۵۵۶.
۲- [۲] . ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۲.

برخورد با قومیت گرایی

روایت شـده است در مجلسـی که سه مسـلمان از سه ملیت مختلـف (سـلمان از ایران، صـهیب از روم و بلاـل از حبشه) حضـور داشـتند، مردی عرب وارد شد. وقتی موقعیت ممتاز و مخصوص آن سه غیر عرب را به خاطر پاکی و تقوای فوق العاده شان در بین مسـلمانان مشاهده کرد، طاقت نیاورده، گفت: این «اوس» و «خزرج» [دو قبیله عرب] بودند که با قیام خود رسول خدا صلی الله علیه و آلهرا یـاری کردنـد. دیگر این سه بیگـانه چه می گوینـد؟ چه کسـی آنها را دعوت به یاری پیامبر کرده است؟ وقتی رسول خدا صـلی الله علیه و آله از این جریان آگاهی یافت، سـخت ناراحت شد و برای پیش گیری از تفرقه میان امت اسـلامی مردم را در مسجد جمع کرد و چنین فرمود:

«خدا یکی است، همه شما از یک پدر و مادر هستید، دین شما یکی است و عربیت [که شما به آن افتخار می کنید] نه از ناحیه پدر شماست و نه از نه ناحیه مادرتان، عربیت تنها زبان شماست».(۱)

وحدت در سیره عملی ائمه(۲)

ائمه اطهار علیهم السـلام پیرو آیات وحـدت آفرین قرآن کریم هر زمانی که احساس می کردنـد مرتدین و یا دشـمنان خارجی اصل اسـلام را با خطر مواجه کرده اند، فارغ از تمامی اختلافات به کمک خلیفه و مسلمانان می شتافتند و از هیچ گونه کمکی دریغ نمی ورزیدند.

ص:۶۶

۱- [۱] . احمد حامد مقدم، دانش اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۱، ص ۱۳۰.

۲- [۲] . برگرفته از: محمد تقی قمی، منادیان تقریب۶، ص ۲۴.

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درگیری های شدیدی میان مسلمانان پدید آمد. امام علی علیه السلام با روح بلندی که داشت، مردم را از تفرقه به اتحاد فراخواند و خطاب به مردم فرمود:

ایُّها النّاسُ شُقُّوا اَمْواجَ الفِتَن بِسُفُنِ النَّجاهِ، وَ عَرِّجُوا عَن طَریقِ المُنافَرَهِ، وَضَعُوا تیجانَ المُفاخَرَهِ، أَفلَحَ مَن نَهَضَ بِجَناحٍ، أَوِ استَسلَمَ فَأَراحُ... .

ای مردم! امواج فتنه ها را با کشتی های نجات (علم، ایمان و اتحاد) در هم شکنید و از مسیر اختلاف و پراکندگی دوری کنید و تاج تفاخر و برتری جویی را از سر بردارید. [دو کس راه صحیح را پیمودند]؛ آن کس که با داشتن یار و یاور و نیروی کافی به پاخاست، پیروز شد و آن کس که با نداشتن نیروی کافی کناره گیری کرد، مردم را راحت ساخت.

حضرت علی علیه السلام که تنها هدفش، حفظ اسلام بر پایه وحدت بود، با عملکرد سنجیده خود، چنان وحدتی میان مسلمانان به وجود آورد که مسلمانان به جای جنگ و اختلافات داخلی به صدور انقلاب عظیم اسلامی پرداختند.

همین وحدت، موجب پیروزی و پیشرفت آنان شد، به گونه ای که در مدت بسیار کوتاهی دو امپراتوری عظیم و پهناور ــروم ــو ــفارس ــرا فتح کردند و مردم آن را به اسلام فرا خواندند و ــمصــر، عراق ــو ــفلسطین ــرا نیز به تصرف خود درآوردند. اگر آن حضرت این وحدت و آرامش را به وجود نمی آورد، دست یافتن مسلمانان به آن همه پیشرفت و فتوحات محال بود.(۱)

۱- [۱] . عبدالکریم بی آزار شیرازی، هم بستگی مذاهب اسلامی، ص ۱۱.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در جنگ مسلمانان با دول قدرتمند آن زمان (ایران و روم) به کمک خلیفه و مسلمانان می شتابد.

خلیفه دوم قصد داشت شخصا به همراه لشکر به جنگ قیصر روم برود. ازاین رو، با علی علیه السلام مشورت کرد. حضرت، وی را از شرکت در جنگ نهی کرد و از خلیفه خواست در مدینه بماند و به جای خود مرد جنگ دیده و دلیری را به سوی روم بفرستد؛ زیرا به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه اگر خلیفه در جنگ کشته شود، دیگر برای مسلمانان شهرهای دوردست و سرحدّات پناهی نمی ماند.(۱)

در جنگ بین ایران و مسلمانان نیز خلیفه دوم با علی علیه السلام به مشورت می پردازد و از کمک فکری علی علیه السلام در راه پیروزی اسلام بر کفار استفاده می کند.

حضرت علی علیه السلام، علی رغم نظر عثمان که خواسته بود عمر به همه مسلمانان شام و یمن و مکه و مدینه و کوفه و بصره نامه بنویسد تا برای جنگ آماده شوند و خود خلیفه نیز به همراه آنان به جنگ برود، فرمود: صلاح نیست از مدینه حرکت کنی؛ چون این شهر، پایتخت اسلام است و صلاح نیست لشکر را از شام فرا بخوانی؛ چون شهری که به سختی به تصرف درآمده سزاوار نیست از لشکر تهی ماند. مبادا _هرقل، _پادشاه روم آگاه شده، از کمین بیرون آمده، دوباره آنجا را به تصرف درآورد... .

حضرت خواست خلیفه در مدینه بماند و مرد

۱- [۱] . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۳۴.

دلیری را امیر لشکر اسلام نموده و به جنگ ایرانی ها بفرستد و _نعمان ابن مقرن _را برای امیری لشکر به خلیفه دوم پیشنهاد کرد و عمر این رأی را قبول نمود.(۱)

سایر ائمه علیهم السلام نیز در مواقع لزوم به کمک خلفا می آمدند و آنها را از تنگنا می رهانیدند؛ از جمله هنگامی که پادشاه روم، نامه ای به عبدالملک بن مروان می نویسد و او از پاسخ در می ماند، امام سجاد علیه السلام پاسخ نامه را می نویسد.(۲)

زمان هشام بن عبدالملک، هنگامی که حکومت روم قصد داشت سیادت و استقلال حکومت به ظاهر اسلامی را از بین ببرد و سکه روم را بر مسلمانان تحمیل کند، امام باقر علیه السلام طرح سکه اسلامی را به هشام داد و با این تهدید به مقابله پرداخت.(۳)

شیخ حر عاملی در _وسائل الشیعه_ از امامان شیعه نقل کرده است که آن بزرگواران پیروانشان را دعوت می کردند تا در مجامع عمومی مسلمانان و در نماز جماعت آنها شرکت کنند و به ائمه جماعات اهل سنّت اقتدا کنند و نماز خواندن پشت سر ائمه جماعات اهل سنّت را مانند نماز خواندن پشت سر پیغمبر اسلام می دانستند.(۴)

ائمه اطهار علیهم السلام با دعوت مسلمانان به

۱- [۱] . همان، خطبه ۱۴۶.
۲- [۲] . محمدباقر صدر، نقش پیشوایان شیعه در بازسازی جامعه اسلامی، ترجمه: علی اسلامی، ص۱۱.
۳- [۳] . همان.
۴- [۴] . وسائل الشیعه، ج ۵، صص ۳۸۱ و ۳۸۲.

وحدت و هم بستگی از ایجاد ضعف و سستی در پیکره اسلام جلوگیری می کردند. می توان اقتدار و عزت مسلمین در صدر اسلام را از جمله نتایج وحدت و یک پارچگی مسلمانان به شمار آورد.

وحدت در سیره بزرگان

سیر در تاریخ اسلام، بیانگر این نکته است که بسیاری از عالمان شیعه و سنّی توجه و اهتمام ویژه ای به مسئله وحدت و هم بستگی مسلمین داشته اند.

سیره بزرگان دینی بر این پایه استوار بوده است که در حرکت های اسلامی، رهبری نهضت به دست هر یک از مذهب های اسلامی باشد، بر دیگر مذهب ها، همراهی، پشتیبانی و دفاع لازم و ضروری است. همان طور که در گذشته عالمان بزرگ سنّی به پشتیبانی از نهضت های علوی و شیعی فتوای جهاد داده اند.

«هناک علماء من اکابر علماء السنه افتوا بوجوب الجهاد و بوجوب القتال بین یدی ثوار آل محمد صلی الله علیه و آله».(۱) عالمان بزرگ اهل سنّت به واجب بودن جهاد و پیکار با انقلابیون آل محمد صلی الله علیه و آله فتوا داده اند. به عنوان نمونه، ابوحنیفه در آغاز، به همراهی نهضت های علوی فتوای جهاد داد و خود در یکی از این نهضت ها شرکت کرد.(۲)

عالمان شیعی نیز در جنگ بین حکومت عثمانی و انگلیسی ها بر سر عراق فتوای جهاد صادر کردند و بزرگوارانی چون آقا

۱- [۱] . محمدباقر صدر، اهل البیت تنوع ادوار و وحده هدف، ص ۷۰.

۲- [۲] . همان.

سید مصطفی کاشانی و فرزند ایشان، سید ابوالقاسم کاشانی، سید محمد تقی خوانساری، شیخ الشریعه اصفهانی، سید علی داماد، سید محسن حکیم، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء نایینی و... در صحنه پیکار حاضر شدند و با دشمن جنگیدند.

از نکات قابل تأمل در عزت و شوکت مسلمین در قرون اولیه، حفظ حرمت ها و احترام متقابلی است که بزرگان مذاهب مختلف اسلامی در حق یکدیگر رعایت می کردند و این تفاهم و وحدت میان بزرگان دینی بین پیروان و تابعین آنها نیز تسری پیدا می کرد.

از قول مالك، پیشوای مالکی ها که روابط بسیار خوبی با امام صادق علیه السلام داشت، چنین نقل می کنند:

«وقتی به حضور جعفر بن محمد رسیدم، به من احترام گذاشت و من خدا را شکر کردم که او به من محبت دارد».(۱)

حکایات تاریخی

پی آمد قومیت گرایی(۲)

در شهر مدینه، مردی به نام _قزمان_ زندگی می کرد که هر وقت از او سخن به میان می آمد، پیامبر اسلام می فرمود: «او اهل دوزخ است».

در جنگ احد، قزمان در میدان نبرد، با شهامت جنگید و به تنهایی تعدادی از کفار

ص:۷۱

۱- [۱] . مجله حوزه، ش ۸۸.

۲- [۲] . داستان های بحارالانوار، ترجمه: محمود ناصری، ج ۴، ص ۱۷۶.

را هلاک کرد و در همین نبرد به شدت زخمی شد. مسلمانان وی را به خانه های «بنی ظفر» بردند. عده ای از مسلمانان به عیادتش رفتند و به وی گفتند: بهشت بر تو مژده باد؛ زیرا امروز در راه خدا سخت کوشش و فداکاری کردی و خویشتن را به خطر انداختی. قزمان گفت: مژده بهشت برای چه؟ به خدا سوگند، فداکاری و جنگم فقط برای دفاع از قبیله و عشیره ام بود. اگر موضوع قبیله و فامیل نبود، هرگز به جنگ حاضر نمی شدم.

سرانجام، قزمان که به شدت از زخم های بدنش رنج می برد، تیری از تیردان بیرون کشید و با آن رگی از بدن خود را برید و به زندگی خود پایان داد و سخن پیامبر درباره او تحقق یافت.

دو هم کار از دو مذهب(۱)

صفا و صمیمیت و هم کاری صادقانه _هشام بن حکم_ و _عبداللّه بن یزید اباضی_، اعجاب همه مردم کوفه را برانگیخته بود و این دو نفر، به عنوان دو شریک خوب و دو همکار امین و صمیمی شهره و مثل شده بودند. این دو با مشارکت یکدیگر، مغازه خرازی را اداره می کردند و از درآمد آن زندگی می گذراندند. آنچه موجب شد مشارکت و همکاری و صمیمیت این دو نفر زبانزد عموم مردم شود، این بود که این دو نفر از نظر عقیده مذهبی در دو قطب کاملاً مخالف و مقابل همدیگر قرار داشتند. هشام از علما و متکلمین سرشناس شیعه امامیه و از یاران خاص امام جعفر

ص:۷۲

۱- [۱] . مرتضی مطهری، داستان راستان، ج ۱، ص ۱۴۹.

صادق علیه السلامبود که به امامت اهل بیت علیهم السلاماعتقاد داشت، در حالی که عبدالله بن یزید، از علمای اِباضیه، یکی از فرقه های خوارج بود. آن گاه که پای دفاع از عقیده و مذهب بود، این دو نفر در دو جبهه کاملاً مخالف قرار می گرفتند، ولی آنها توانسته بودند تعصب مذهبی را به دیگر شئون زندگی وارد نسازند و با کمال متانت، به کار و تجارت و کسب و معامله در کنار هم بپردازند.

عجیب تر اینکه بسیار اتفاق می افتاد که شیعیان و شاگردان هشام، به همان مغازه می آمدند و هشام، اصول مذهب و مسائل تشیع را به آنها می آموخت، ولی عبدالله از شنیدن سخنانی برخلاف عقیده مذهبی خود ناراحت نمی شد. همین امر برای همکار او؛ یعنی عبدالله بن یزید نیز رخ می داد و هشام نیز هنگام شنیدن سخنانی که اغلب علیه مذهب تشیع بود، ابراز ناراحتی نمی کرد.

روزی عبدالله به هشام گفت: «من و تو با یکدیگر دوستانی صمیمی و هم کاریم و تو مرا خوب می شناسی. از تو می خواهم مرا به دامادی خودت بپذیری و دخترت فاطمه را به عقد من درآوری.» هشام با رعایت ادب و حسن اخلاق ــ به دلیل نظر فقهی شیعه ــ به او پاسخ منفی داد. عبدالله نیز سکوت کرد و دیگر سخنی از این موضوع به میان نیاورد و این حادثه نیز نتوانست به دوستی آنها خللی وارد سازد و هم کاری آنها تا هنگام مرگ ادامه یافت.

حق برادر مسلمان(۱)

ص:۷۳

۱- [۱] . همان، ج ۲، ص ۳۶۴.

ـعبـدالاعلیـ، پسـر ـاعینـ، از کوفه ره سـپار شـهر مدینه بود. دوسـتان و پیروان امام صادق علیه السـلام در کوفه، فرصت را مغتنم شـمردند و مسائل و مشـکلات علمی و دینی خود را نوشـتند و به او دادند تا پاسخ آنها را از امام بگیرد و با خود به کوفه بیاورد. همچنین از وی خواسـتند مطلبی را شـفاهی از امام بپرسـد و پاسـخ آن را بگیرد. آن پرسـش درباره حقوقی بود که یک مسلمان، بر دیگر مسلمانان دارد.

عبـدالاعلی وارد مدینه شد و به محضـر امام رفت. پرسـش های کتبی را به حضـرت سپرد و پرسشـی شـفاهی را نیز مطرح کرد. برخلاف انتظار او، امام به همه پرسـش ها پاسخ داد، ولی درباره «حقوق مسلمان بر مسلمان» سخنی نفرمود. عبدالاعلی آن روز چیزی نگفت و بیرون رفت. امـام در روزهای دیگر نیز یک کلمه درباره این موضوع سـخن نگفت تا اینکه عبـدالاعلی تصـمیم بازگشت به کوفه و خروج از مـدینه را گرفت و برای خداحافظی به محضـر امام شـرف یاب شد و با خود اندیشـید که پرسـش خود را دوباره مطرح کنـد. از آن رو، عرض کرد: یابن رسول الله! پرسـش آن روز من بی پاسـخ مانـد. امام فرمود: «من به عمد آن را پاسخ ندادم.» عبدالاعلی پرسید: «چرا؟»

امام فرمود: «زیرا می ترسم حقیقت را بگویم و شـما عمل نکنیـد و از دین خدا خارج شوید.» آن گاه امام به سـخنان خود ادامه داد و فرمود: «همانا از جمله سخت ترین تکالیف الهی درباره بندگان، سه چیز است: یکی رعایت عدل و انصاف میان خود و

دیگران، آن گونه که بـا برادر مسـلمان خود چنان رفتار کنـد که دوست دارد او با خودش این گونه رفتار کنـد. دوم اینکه مال خود را از برادران مسـلمان دریغ نـدارد و با آنها به مواسات رفتار کند و سوم یاد کردن خداست در همه حال، ولی مقصودم از یاد کردن خـدا این نیست که پیوسـته «سـبحان الله» و «الحمـدلله» بگویـد. مقصود این است که شـخص چنان باشـد که تا با کار حرامی روبه رو شد، یاد خدا که همواره در دلش هست، جلوی او را بگیرد».

از جمله کارهـای حرام، آزار رسانـدن مؤمنـان به یکـدیگر یا آزردن دیگر مردم، با دست و زبان است. پس بر مسـلمان واجب است زبان خود را از بدگویی و افترا نسـبت به هم کیشان خود بازدارد و با پیروی از سـیره عملی امامان معصوم علیهم السلام و عمل به گفتار و رفتار ایشان، به عیب پوشی و حفظ آبروی برادر مسلمان خود همت گمارد.

ص:۷۵

فصل چهارم: اتحاد در سخنان امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری

الف) گزیده ای از سخنان امام خمینی رحمه الله

۱- پیروزی مسلمانان

پیروزی مسلمانان در گرو وحدت اسلامی و اجتماع زیر پرچم لااله الاّ اللّه است.(۱)

۲- تحول روحی

توجه به اسلام و وحدت کلمه عامل ایجاد تحول روحی در جامعه است.(۲)

۳- رمز پیروزی

وحدت کلمه و اتکال به خدا رمز نیل به پیروزی نهایی است.(۳)

۴- دستور مهم

رفتار برادرانه و حفظ وحدت کلمه از دستورات مهم اسلام است. ما باید همه با هم توجه به این بکنیم که همان طوری که اسلام فرموده است (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا) همه با هم دست به هم بدهید و اعتصام به حبل خدا بکنید و برای خدا اجتماع کنید و تفرقه نباشد در کار، از تفرقه بترسید.(۴)

۵- دستور خدا

دستور خدا حفظ وحدت بر اساس اعتصام به حبل اللّه است. دستور همان است که آیه (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا) [فرموده] در

۱- [۱] . صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۱۶، ۱۵/۲/۱۳۵۸.

۲- [۲] . همان، ص ۱۴۸، ۲۳/۲/۱۳۵۸.

۳- [۳] . همان، ص ۱۶۸، ۲۴/۲/۱۳۵۸.

۴- [۴] . همان، ج ۷، ص ۲۰۸، ۵/۴/۱۳۵۸.

آیه فقط امر به اجتماع نیست، تمام دستورهای مردم عادی و رژیم های غیرالهی این است که همه با هم باشید و دستور به اجتماع است لکن دستور خدا دستور (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ) است.

۶- اتحاد در راه حق

اینکه مهم است این است که تنها این نباشد که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید، امر این است که همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید. راه، راه حق باشد و توجه به حق باشد و اعتصام به راه حق باشد. انبیا نیامده اند که مردم را در امور با هم مجتمع کنند. انبیا آمده اند که همه را در راه حق مجتمع کنند.(۱)

۷- قرآن، محور وحدت

آنچه مهم است این است که مسلمین به اسلام و قرآن عمل کنند. این وحدت همان چیزی است که در قرآن کریم درباره آن سفارش شده است و ائمه اطهار علیهم السلام مسلمین را به آن دعوت کرده اند. و اصولاً دعوت به اسلام، دعوت به وحدت است. به این معنا که همه در کلمه اسلام با هم مجتمع باشند. لکن همان طور که می دانید، نگذاشتند این وحدت تحقق پیدا بکند، خصوصاً در این عصرهای اخیر که زیادتر به اختلافات دامن زده اند چون کارشناس های آنها فهمیده بودند که اگر این اجتماع بزرگ اسلامی به هم نزدیک بشوند و به هم بپیوندند دیگر هیچ قدرتی نمی تواند با اینها مقابله کند و نسبت به آنها

۱- [۱] . همان، ج ۸، ص ۱۵۵.

سلطه جویی کند. آنها تنها راه را در این دیدند که برای مقاصد شوم خود بین همه گروه ها تفرقه بیندازند.(۱)

۸- حکم خدا

یکی از احکامی که مورد توجه خداست وحدت و انسجام همه است.(۲)

۹- دست آورد پیامبران

آن روزی که این وحدت از بین برود همه نوامیس ما و زحمت های انبیا علیهم السلامبه باد فنا خواهد رفت.(۳)

۱۰- اتحاد مستضعفان

باید کوشش کرد که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهب تحقق پیدا کند.(۴)

۱۱- معصیت خدا

اگر کارشکنی برای این وحدت بشود، این وحدتی که الان در بین ملت ما موجود است، بین دولت و ملت ما موجود است، اگر یک نفر خدشه بکند بر این، بخواهد به هم بزند این وحدت را، این معصیت خدا را کرده است.(۵)

۱۲- حفظ اسلام

حفظ اسلام به حفظ وحدت است.(۶)

۱- [۱] . صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴، ۲۳/۱۰/۱۳۶۰.

۲- [۲] . همان، ص ۱۷۳، ۱۳/۳/۱۳۶۱.

۳- [۳] . همان، ج ۱۷، ص ۲۳۳، ۲۱/۱/۱۳۶۲.

۴- [۴] . همان، ص ۲۴۹، ۲۰/۲/۱۳۶۲.

۵- [۵] . همان، ج ۱۹، ص ۱۳۲، ۱/۱/۱۳۶۴.

۶- [۶] . همان، ج ۲۰، ص ۵، ۱۹/۳/۱۳۶۵.

۱۳- رحمت الهی

وحدت را حفظ کنید تا خدای تبارک و تعالی عنایتش را مستدام کند.(۱)

اخلاص و اتحاد

هم وحدت را حفظ کنید و هم اخلاص را.(۲)

۱۴- حقوق برابر

من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین چه اهل سنّت و چه شیعه، برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند.(۳)

۱۵- رفع مشکلات

اگر مسلمانان به جهت امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا»، اگر به همین یک امر و نهی عمل می کردند، تمام مشکلاتشان [مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شان]رفع می شد و هیچ قدرتی نمی توانست با آن مقابله کند.(۴)

۱۶- بهره مند از اختلاف

برادران شیعه و سنّی از هر اختلافی احتراز کنند. امروز، اختلاف بین ما تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب «حنفی» یا سایر فِرَق. آنها می خواهند نه این باشد، نه آن،... ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل

۱- [۱] . همان، ج ۲۰، ص ۸۴، ۲۱/۱/۱۳۶۶.

۲- [۲] . همان، ج ۲۰، ص ۱۰۶، ۵/۵/۱۳۶۶.

۳- [۳] . وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ص ۱۰۵.

۴- [۴] . صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۷۶، ۱/۴/۱۳۵۸.

توحید هستیم.(۱)

۱۷- دشمن شناسی

برادران اهل سنّت در کشورهای اسلامی، بدانند که عمّال وابسته به قدرت های شیطانی بزرگ، خیرخواه اسلام و مسلمین نیستند و لازم است مسلمانان از آنان تبری کنند و به تبلیغات نفاق افکنانه آنان گوش فراندهند.(۲)

۱۸- در سایه پرچم توحید

ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید! به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید.(۳)

۱۹- پیروان قرآن

ما همه پیرو قرآن و رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستیم و همه با هم برادر، همه با هم یک جهت، یک وجهه، یک دین، یک قرآن داریم؛ و من امیدوارم که تفرقه انگیزی ها را شماها با قدرت خودتان و قوه الهی قطع کنید؛ نگذارید رخنه کنند در صفوف فشرده ما.(۴)

۱- [۱] . همان، ص ۴۰۹.

۲- [۲] . همان، ج ۷، ص ۵۲۴، ۲۱/۶/۱۳۵۹.

۳- [۳] . همان، ص ۵۲۵، ۲۱/۶/۱۳۵۹.

۴- [۴] . قومیت و ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲، ۵/۲/۱۳۵۸.

۲۰- حق اسلام

ادا کردن حق اسـلام به این است که تفرقه در بین خودمـان نباشـد. آنهـایی که می خواهنـد ایجـاد تفرقه کننـد، از خود برانیـد. توطئه هایی که از شرق و غرب در ایران دارد نضج می گیرد، نگذارید که نضج بگیرد.(۱)

۲۱- ید واحده

ما همه ممالک اسلامی را از خود می دانیم و خودمان را هم از ممالک اسلامی می دانیم. ما می خواهیم به امر خدای تبارک و تعالی، همه با هم مجتمع باشیم و همه «ید واحده» باشیم بر ضد مستکبرین جهان.(۲)

۲۲- وظیفه همه

جـای تردیـد نیست که وظیفه یک نفر مسـلمانی که در دورترین نقطه های جهان به سـر می برد همان وظیفه ای است که خلق مسلمان فلسطین امروز به آن مسئول است، مسلمانان به مثابه دست واحدند و همه در مسئولیت عمومی یکسانند. تفرقه جویی و نژادپرستی در کار نیست و بین ملت های اسلامی هیچ گونه امتیازی وجود ندارد، جز تقوا و پرهیزکاری.(۳)

۲۳- وظیفه اهل قلم و بیان

کسانی که اهل قلم و بیان هستند، باید این مسائل [تحریکات مشکوک و حملات مستمر برای تیره گرداندن روابط بین عرب و عجم و ترک و کرد و...] را بری مردم توضیح دهند و اسلام را به مردم معرفی کنند و بگویند که

۱- [۱] . همان، صص ۲۷ و ۲۸، ۱۱/۱۰/۱۳۵۸.

۲- [۲] . همان، صص ۳۴ و ۳۵، ۱۱/۹/۱۳۶۰.

۳- [۳] . همان، صص ۴۳ و ۴۴، ۱۹/۷/۱۳۴۷.

اسلام برای ملیت خاصی نیست و ترک، فارس، عرب و عجم ندارد. اسلام متعلق به همه است و نژاد و رنگ، قبیله و زبان در این نظام ارزش ندارد. قرآن کتاب همه است و این تبلیغات که این عرب است، آن ترک است و یا فارس یا کرد، تبلیغاتی است که اجانب برای چپاول مخازنی که در این ممالک است رواج می دهند که مسلمانان را از هم جدا کنند. مسلمین باید هشیار باشند که تحت تأثیر این تبلیغات واقع نشوند.(۱)

ب) گزیده ای از سخنان مقام معظم رهبری

۱- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله محور وحدت

وجود نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، بزرگ ترین مایه وحدت در همه ادوار اسلامی بوده است و امروز هم می تواند باشد؛ چون اعتقاد آحاد مسلمانان به آن وجود اقدس بزرگوار، با عاطفه و عشق توأم است و لذا آن بزرگوار، مرکز و محور عواطف و عقاید همه مسلمان هاست و همین محوریت، یکی از موجبات انس دل های مسلمین و نزدیکی فِرَق اسلامی با یکدیگر به حساب می آید.

۲- تهاجم دشمن، اهمیت بیشتر

باید بگوییم که اگر وحدت و نزدیکی فرق اسلامی چیزی است که در خدمت اسلام می باشد و اگر قبول داریم که اتحاد مسلمین به حال مسلمین مفید است و در جهت عظمت اسلام

ص:۸۲

۱- [۱] . همان، ص ۴۹، ۱۶/۹/۱۳۵۷.

می باشد، یقینا باید معتقد باشیم که از سوی دشـمنان اسلام، سخت ترین تلاش ها و پیچیده ترین توطئه ها، علیه این وحدت و اتحاد در جریان است. این دو از هم غیرقابل انفکاک است. امروز، هر چیزی که برای اسلام نافع تر است، از نظر دشمنان اسلام مبغوض تر می باشد. امروز، هر چیزی که بیشتر در جهت عظمت اسـلام باشد، بیشتر هم مورد تهاجم دشمنان اسلام است. این، یک معادله قطعی است.(۱)

۳- تلاش های استکبار

امروز، پول های دسـتگاه اسـتکبار و ایادی آنها، در دنیا و بیشتر از همه در دنیای اسلام، برای ایجاد تفرقه بین مسلمین خرج می شود تا اگر بتوانند ــ که نخواهند توانست ــ بین ایران اسـلامی و مسـلمانان عالم، اختلاف ایجاد کنند و فاصله بیندازند. جنگ دشـمن ساخته شـیعه و سنّی، به برکت انقلاب اسلامی به حمدالله رو به خمود و خاموشی رفت و برادران شیعه و سنّی در میدان های مختلف در کنار هم قرار گرفتنـد و به یکـدیگر کمک کردنـد و برادروار با هم حرکت کردند ــ که حق هم همین بود ــ ولی امروز تبلیغات جهانی سعی می کند باز هم این شعله را مشتعل تر و این آتش را برافروخته تر کند تا این اختلاف را که رو به از بین رفتن است، دوباره زنده نماید.(۲)

۴- دست های مزدور و مذاهب اختراعی

ص:۸۳

۱- [۱] . ۲۴/۷/۱۳۶۸.

۲- [۲] . همان.

علمایِ اسلام باید مواظب باشند. مراقب این مذاهب اختراعی و جعلی _ که نقض وحدت است _ باشید. مواظب این دلارهای نفتی که برای ایجاد تفرقه به کار می رود، باشید. مواظب این دست های پلید و مزدور که سعی می کنند «عروه الوثقیِ» وحدت بین مسلمین را بسگلند و پاره کنند، باشید. با اینها برخورد کنید. این، لازمه علاقه به وحدت و پیمودن راه وحدت اسلامی است. بدون این، ممکن نیست.(۱)

۵- اتحاد یعنی هم دلی و هم کاری

ما در مسئله وحدت، جدی هستیم. ما اتحاد مسلمین را هم معنا کرده ایم. اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فِرَق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود: اول اینکه فِرَق گوناگون اسلامی (فِرَق سنّی و فرق شیعه) _ که هر کدام فِرَق مختلف کلامی و فقهی دارند _ حقیقتا در مقابله با دشمنان اسلام، هم دلی و هم دستی و هم کاری و هم فکری کنند. دوم اینکه فِرَق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوای فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوای دو مذهب به هم نزدیک شود.(۲)

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . همان.

۶- وحدت، اصلی اسلامی

نبایـد به وحـدت به چشم تاکتیـک نگاه کرد؛ وحـدت یک اصل اسـلامی است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا.» یعنی اعتصام به حبل الله، جمیعا و مجتمعا لازم است. اعتصام به حبل الله، به صورت تک تک ممکن نمی شود: «وَ لا تَفَرَّقُوا».(۱)

۷- وحدت دشمن شکن

هر چه یـک پـارچگی و وحـدت از همه جهات بیشتر باشـد، زیباتر و باشـکوه تر خواهـد بود و برای دشـمن شـکننده تر و برای دوست امیدوارکننده تر است.(۲)

۸- اختلاف و نقش شیطان ها

هرجـا در میان مؤمنین و بنـدگان صالـح خـدا وحـدت هست، آنجا توحیـد و خـدا هم هست. هر جا بین مؤمنین و بین بنـدگان صالـح خدا اختلاف هست، آنجا قطعا شـیطان و دشـمن خدا حاضـر است. هرجا شـما اختلاف دیدید، جست وجو کنید، بدون دشواری شـیطان را در آنجـا خواهیـد یافت، یا شـیطانی را که در درون نفوس خود ماست و نفس اماره نام دارد و از خطرناک ترین شـیطان هـا هم است، پیـدا خواهیـد کرد. بنابراین، پشت سـر همه اختلافات، یا خودخواهی ها و جاه طلبی ها و منیت های ماست و یا شیطان های خارجی، یعنی دست های دشمن و استکبار و قدرت های ظالم و ستمگر.(۳)

ص:۸۵

۱- [۱] . بیانات در دیدار با رئیس جمهور موقت افغانستان و رهبران مجاهدان افغانی، ۱۱/۷/۱۳۶۸.

۲- [۲] . ۲۶/۷/۱۳۶۸.

۳- [۳] . ۲۹/۹/۱۳۶۸.

۹- ضرورت احترام و پرهیز از اهانت

ما به همه می گوییم که احترام یکدیگر را حفظ کنند و به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنند. اگر کسی به بهانه عقیده ای بخواهد به مقدسات دیگران اهانت بکند، از نظر ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست. محبت، طرفینی است. بایستی همه با هم کمک کنند تا محبت به وجود آید و دشمن نتواند سوءاستفاده بکند؛ دشمنی که نه با شیعه رابطه خوبی دارد و نه با سنّی، بلکه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به آن کینه می ورزد. همان اسلامی که سنّی یا شیعه دارد، مبغوض امریکا و مرتجعان است.(۱)

۱۰- وحدت و تکلیف شرعی

حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی ای هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آنچه که تصور می کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود.(۲)

۱۱- یکی از چماق های دشمن!

مسئله شیعه و سنّی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمین گیر کردن امت اسلامی است. هم سنّی ها بدانند، هم شیعه ها بدانند؛ همه در ایران و در دنیای اسلام این را بدانند که اختلاف شیعه و سنّی یکی از ابزارها و چماق های دشمن علیه امت اسلامی است. آنها هر جور بتوانند، از این ابزار استفاده

۱- [۱] . ۱۹/۷/۱۳۶۸.

۲- [۲] . ۱۲/۴/۱۳۶۸.

می کنند. آن روزی که سنّی فلسطینی زیر فشار است، یک عده ای را با این شعار، با این تبلیغات که اینها سنّی هستند، شما شیعه هستید؛ سعی می کنند نگذارند کمک کنند. امروز که شیعه لبنان زیر فشار است، به یک عده ای می گویند شما سنّی هستید، اینها شیعه هستند؛ به آنها کمک نکنید. آنها نه به شیعه احترامی می گذارند، نه به سنّی؛ آنها با اصل اسلام طرفند.(۱)

۱۲- سرانگشت دشمن!

هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامی شان بیگانه کند، یا به تفرقه و پراکندگی بکشاند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه می کند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است!(۲)

امروز می خواهند مردم را به جان هم بیندازند...

در عراق، شیعه و سنّی قرن ها کنار هم زندگی کرده اند. چقدر فامیل های شیعه و سنّی با هم خویشاوند و قوم و خویشند. در طول این چند قرن گذشته، هیچ وقت اختلافی به این شکل مطرح نبوده است. زمان عثمانی ها دولت و حکومت به شیعه زور می گفتند و اذیت می کردند، و زمان صدام و زمان های دیگر هم کم و بیش همین طور بود؛ اما مردم شیعه و سنّی با هم کاری نداشتند. امروز می خواهند

۱- [۱] . ۱۷/۵/۱۳۸۵.

۲- [۲] . ۱۲/۱/۱۳۷۷.

مردم را به جان هم بیندازند.(۱)

باید با این کار مقابله کرد...

امروز انسان متأسفانه می بیند که حرف های امریکا و انگلیس از زبان بعضی از سیاستمداران دنیای اسلام تکرار می شود! همان چیزی که آنها می خواهند، اینها تکرار می کنند و به آتش اختلاف شیعه و سنّی و اختلافات فرقه ای دنیای اسلام دامن می زنند. این، درست بر طبق آن چیزی است که دشمنان اسلام می خواهند. باید با این کار مقابله کرد.(۲)

۱۳- گروه های جاهل نادان

ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می دانند، خارج می کنند، تکفیر می کنند این گروه های تکفیری نادان _ حقیقتا مناسب ترین صفت برای اینها نادانی است _ اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهم ترین خصوصیت اینهاست.(۳)

از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟

در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام

۱- [۱] . ۲۱/۷/۱۳۸۵.

۲- [۲] . ۳۰/۵/۱۳۸۵.

۳- [۳] . ۲۵/۱/۱۳۸۵.

مـذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خون ها در هم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فِرَق و لهجه ها و طوایف مختلف به وجود آورد.(۱)

۱۴- انقلاب شیعی یا اسلامی؟

البته بعـد از پیروزی انقلاب، اختلاف افکنی شدت پیدا کرده است؛ چون از انقلاب اسـلامی و حیات مجدد اسـلام می ترسـند. اسـلام قوی است. قوّت و معنویت اسـلام آن چنان است که اگر به شـرایطش عمل بشود و واقعاً اسلام پیاده گردد، قدرت های دنیا و تخت ها را می لرزانـد. آنها از این می ترسـند و به همین خاطر نمی خواهنـد بگذارند قوّت و معنویت اسـلام زنده بشود. یکی از طرق مبـارزه بـا ایـن پدیـده ای کـه برای آنهـا به شـدت ترسـناک می باشـد، همین است که اینجـا را از بقیه مسـلمانان غیرشـیعی دنیا ایزوله کننـد و انقلاب ما را به عنوان یک انقلاب شـیعی وانمود نماینـد و دعوای بین شـیعه و سـنّی را هم تقویت کنند تا نتیجه این بشود که مسلمانان دنیا که امروز به نام ما شعار می دهند، آن را متوقف کنند.(۲)

۱۵- حقوق همشهری گری

مـا وقـتی که می خـواهیم یـک ایرانی را ـ به عنـوان یـک ایرانی ـ به حقـوق حَقّه خـودش برسـانیم، از او سؤال نمی کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست؛ نه، مواطن ماست و از

ص:۸۹

۱- [۱] . ۱۳/۵/۱۳۷۵.

۲- [۲] . ۵/۱۰/۱۳۶۸.

حقوق همشـهری گری با ما دارد اسـتفاده می کنـد و در این مملکت زنـدگی می کنـد؛ چیزی باید بپردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد؛ حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد.(۱)

۱۶- تمسک به حبل الله چگونه است؟

قرآن می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا» اعتصام به حبل الله برای هر مسـلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی کنـد به اینکه مـا را به اعتصـام به حبـل الله امر کنـد، بلکه به ما می گویـد که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهیـد؛ «جمیعـا»؛ همه با هم اعتصام کنیـد. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر اینکه مسـلمان باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان ها و هم دست با آنها انجام دهد.

۱۷- تفرقه انگیزی؛ گناهی تاریخی

امروز هر حرکت تفرقه انگیز در دنیای اسـلام، گناهی تاریخی است. آنان که عنودانه گروه های عظیمی از مسـلمین را به بهانه های واهی تکفیر می کننـد؛ آنان که با گمان های باطل، به مقـدسات فرقه هایی از مسـلمین اهانت می کنند؛ آنان که به جوان های از جان گذشـته لبنان که مایه سـربلندی امت اسـلامی شدنـد، از پشت خنجر می زننـد؛ آنان که برای خوش آمد امریکا و صهیونیست ها از خطر موهومی به نام هلال شیعی سخن می گویند؛

۱- [۱] . ۲۵/۷/۱۳۷۰.

آنـان که برای شـکست دولت مسـلمان و مردمی در عراق ناامنی و برادرکشـی را دامن می زننـد؛ آنان که دولت حماس را که محبوب و منتخب ملت فلسـطین است از هر سو زیر فشار قرار می دهند... چه بدانند و چه ندانند مجرمانی به شمار می روند که تاریخ اسلام و نسل های آینده از آنان با نفرت یاد خواهند کرد و آنان را مزدوران دشمن غدّار خواهند دانست.(۱)

۱۸- پیوند برادری میان امت اسلامی

پیونـد برادری میـان ملت لازم است، اما کافی نیست؛ پیونـد برادری علاوه بر درون ملت، بایـد میان امت اسـلامی با کشورها و ملت های دیگر برقرار باشد. جنگ شـیعه و سنّی از جمله توطئه های بزرگ دشـمنان است. یک گروه متعصب متحجر بی خبر از حقایق عالم و بی خبر از معنویت را در مقابله با فِرَق اسلامی به راه می اندازند ــ در عراق یک جور، در لبنان یک جور، در مناطق دیگر یک جور ــ برای اینکه اختلاف ایجاد کنند.

برادران مسـلمان چـه در ایران، چه در عراق، چه در پاکسـتان، چه در لبنـان، چه در فلسـطین، چه در دیگر منـاطق عـالم، از هر مـذهبی که هسـتند، این را می دانند که نظر ما این است و نظر علمای حقیقی اسـلام این است که: «آلودن دست به خون برادر مسـلمان، جزو گناهان غیرقابل بخشـش است.» کسانی دست خود را به خون برادران مسـلمانشان می آلاینـد به عنوان پیروی از اسلام؟! به نام پای بندی به اسلام؟! این خروج از اسلام است. همه

۱- [۱] . ۸/۱۰/۱۳۸۵.

بدانند: برادری ملت ایران با ملت های مسلمان دیگر، یک برادری واقعی است؛ اختلاف مذهبی در جای خود هست _ شیعه، شیعه است؛ سنّی، سنّی است _ در میان اهل تسنن و در میان شیعه، اختلاف های فکری و مذهبی باز هم وجود دارد؛ اما همه اینها زیر پرچم لا اله الاّ اللّه و محمد رسول اللّه باید برادر باشند و در مقابله با دشمان اسلام و دشمنان امت اسلامی بتوانند ایستادگی کنند.(۱)

ص:۹۲

۱- [۱] . ۱۴/۳/۱۳۸۶.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۲۸۵ه . ق.

۴. ابن الاثیر، عزالدین، اسدالغابه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۵۱.

۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ ششم، ۱۴۰۵ه . ق.

۶. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، تهران، الحوراء، ۱۳۸۲.

۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۴.

۸. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.

۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، تفسیر ابوالفتوح، تهران، علمی، ۱۳۲۲.

۱۰. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۱. ______________________، وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

۱۲. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، حماسه اتحاد، بی جا، بی نا، ۱۳۷۶.

۱۳. ______________________، هم بستگی مذاهب اسلام، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۷۷.

۱۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم، پرهیزکار، ۱۳۸۳.

۱۵. تهوری، مسلم، منادیان تقریب ۶ (علامه محمدتقی قمی)، زاهدان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنّت سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۲.

۱۶. حامد مقدم، احمد، دانش اجتماعی، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۱.

۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۴۷.

۱۸. سبحانی، جعفر، تاریخ اسلام، قم، امام عصر(عج)، ۱۳۸۲.

۱۹. صدر، محمدباقر، اهل بیت تنوع ادوار و وحدت هدف،

ص:۹۳

تهران، مؤسسه البعثه، ۱۳۸۲.

۲۰. ________________، نقش پیشوایان شیعه در بازسازی جامعه اسلامی، ترجمه: علی اسلامی.

۲۱. طبرسی، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، مترجم: صادق نشات، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.

۲۲. علی بن ابی طالب، غررالحکم و دررالکلم، قم، امام عصر(عج)، ۱۳۸۰.

۲۳. فیض کاشانی، ملامحسن، محجه البیضاء، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.

۲۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۴.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، ۱۳۸۰.

۲۶. متقی، علی بن حسام الدین، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲.

۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۰.

۲۸. مجله حوزه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۹. محدث قمی، عباس، سفینه البحار، دارالاسوه للطباعه والنشر، ۱۴۱۴ه . ق.

۳۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۷.

۳۱. مطهری، مرتضی، داستان راستان، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.

۳۲. مفید، محمد بن نعمان، امالی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۵۸.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

۳۴. میبدی، احمد بن احمد، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۳۵. ناصری، محمود، داستان های بحارالانوار، قم، دارالثقلین، ۱۳۷۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹